



- جناب آقای مهدیان، مدیر عامل محترم بانک توسعه تعاون؛
- جناب آقای صالح آبادی، مدیر عامل محترم بانک توسعه صادرات ایران؛
- جناب آقای جقازردی، مدیر عامل محترم بانک سپه؛
- جناب آقای افخمی، مدیر عامل محترم بانک صنعت و معدن؛
- جناب آقای شهیدزاده، مدیر عامل محترم بانک کشاورزی؛
- جناب آقای بت شکن، مدیر عامل محترم بانک مسکن؛
- جناب آقای حسین زاده، مدیر عامل محترم بانک ملی ایران؛
- مدیر عامل محترم شرکت دولتی پست بانک؛
- جناب آقای مقدم نودهی، مدیر عامل محترم بانک تجارت؛
- جناب آقای سهمانی اصل، مدیر عامل محترم بانک رفاه کارگران؛
- جناب آقای زراعتی، مدیر عامل محترم بانک صادرات ایران؛
- جناب آقای اخلاقی، مدیر عامل محترم بانک ملت؛
- جناب آقای رسول اف، مدیر عامل محترم بانک آینده؛
- مدیر عامل محترم بانک اقتصاد نوین؛
- جناب آقای ابراهیمی، مدیر عامل محترم بانک انصار؛
- جناب آقای پور سعید، مدیر عامل محترم بانک ایران زمین؛
- جناب آقای پرویزیان، مدیر عامل محترم بانک پارسیان؛
- جناب آقای قاسمی، مدیر عامل محترم بانک پاسارگاد؛
- جناب آقای عسکرزاده، مدیر عامل محترم بانک حکمت ایرانیان؛
- جناب آقای عقیلی گرمائی، مدیر عامل محترم بانک خاورمیانه؛
- جناب آقای قربانی، مدیر عامل محترم بانک دی؛
- جناب آقای طاهری بهبهانی، مدیر عامل محترم بانک سامان؛
- مدیر عامل محترم بانک سرمایه؛
- جناب آقای پیشرو، مدیر عامل محترم بانک سینا؛
- جناب آقای محمدپورزندی، مدیر عامل محترم بانک شهر؛
- مدیر عامل محترم بانک قوامین؛
- مدیر عامل محترم بانک کارآفرین؛

۹۶/ ۱۸۹۲۹۷
۹۶/ ۷/ ۱۸

- مدیر عامل محترم بانک گردشگری؛
- جناب آقای بنائی، مدیر عامل محترم بانک مشترک ایران - ونزوئلا؛
- جناب آقای حسین زاده، مدیر عامل محترم بانک قرض الحسنه رسالت؛
- جناب آقای اکبری، مدیر عامل محترم بانک قرض الحسنه مهر ایران؛
- مدیر عامل محترم مؤسسه اعتباری توسعه؛
- جناب آقای رضایی، مدیر عامل محترم مؤسسه اعتباری کوثر مرکزی؛
- جناب آقای جوادی، مدیر عامل محترم مؤسسه اعتباری ملل؛
- مدیر عامل محترم مؤسسه اعتباری نور؛

با سلام؛

احتراماً، همان گونه که مستحضرن بانک‌ها در کانون فرایند واسطه‌گری اعتباری در نظام‌های اقتصادی قرار دارند. لذا از این منظر باید به سیستم بانکی به عنوان شریان حیاتی اقتصاد نگریست. تجربه جهانی نشان داده است که یک اقتصاد پویا و در حال رشد نیازمند یک سیستم بانکی سالم و باثبات است. ثبات و سلامت سیستم بانکی ضمن آن که ضامن حفظ ثبات بخش واقعی اقتصاد هر کشوری به شمار می‌آید، می‌تواند زمینه‌ساز گسترش سطح اعطای اعتبار و تسهیل تأمین مالی گردد. بر این اساس، از چندین دهه قبل که نظام بانکداری در دنیا وارد دوران جدیدی در اقتصاد جهانی گردید، تلاش به منظور حفظ ثبات و سلامت نظام بانکی از دغدغه‌های نهادهای نظارت بانکی کشورها و همچنین مؤسسات و نهادهای بین‌المللی از جمله کمیته نظارت بانکی بال بوده است. از جمله اقتضانات و ویژگی‌های بانکداری در عصر کنونی، در هم تنیدگی ریسک‌های مختلف در بخش‌های پولی، مالی و واقعی اقتصاد می‌باشد. مواجهه سیستم بانکی با موقعیت‌هایی که پذیرش ریسک جزء واقعیت ذاتی آن است، ایجاب می‌نماید که آمادگی و توان لازم از قبل در بانک‌ها ایجاد شده باشد. از جمله مهمترین شرایط لازم برای امکان پذیرش ریسک و پوشش زیان‌های مورد انتظار، حفظ سطح قابل قبولی از سرمایه به عنوان اصلی‌ترین سپر حفاظتی بانک در مواجهه با موقعیت‌های ریسکی و زیان‌های آتی می‌باشد.

از این منظر، کمیته بال، به عنوان اصلی‌ترین نهاد بین‌المللی در خصوص تدوین استانداردها و رهنمودهای نظارت بانکی، از دهه ۱۹۸۰ با انتشار اسناد و مستندات مختلف، سطح استانداردهای مربوط به الزامات احتیاطی که مهمترین آن حداقل الزامات کفایت سرمایه است را ارتقاء داده است. این کمیته، در سال ۱۹۸۸ استاندارد نحوه محاسبه کفایت سرمایه بانک‌ها موسوم به بال (۱) را منتشر کرد. طبق این استاندارد، حداقل نسبت کفایت سرمایه

۸ درصد اعلام و وزن ریسک دارایی‌ها نیز با استفاده از رویکرد پایه تعیین گردید. البته اولین استاندارد معرفی شده توسط کمیته بال در خصوص الزامات سرمایه‌ای اگرچه با استقبال زیاد کشورهای مختلف جهان مواجه شد و در بسیاری از کشورها مبنای تدوین مقررات احتیاطی مربوط به کفایت سرمایه گردید، لیکن محدودیت‌هایی را نیز به خصوص با توجه به مسائل و چالش‌های پیش آمده در دهه ۱۹۹۰ داشت. از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به محدودیت طبقه‌بندی دارایی‌های ریسک‌پذیر، محدودیت اوزان ریسک دارایی‌ها، محدودیت کاربرد تکنیک‌های کاهش ریسک اعتباری، نادیده گرفتن ریسک عملیاتی در موزون نمودن دارایی‌ها، محدودیت در کاربرد روش‌های مدیریت ریسک توسط بانک‌ها و نیز نادیده گرفتن تفاوت در موقعیت و اعتبار مالی اشخاص متقاضی تسهیلات اشاره نمود.

با توجه به مجموعه این محدودیت‌ها و نیز گسترش سطح پیچیدگی بازارهای مالی که ارتباط تنگاتنگی با سیستم بانکی داشت، در سال ۱۹۹۹، کمیته بال چارچوب جدیدی را با هدف ارتقای ثبات و سلامت سیستم‌های بانکی و حفظ سطح مناسب سرمایه‌ارایه نمود که منجر به تدوین چارچوب مقررات بال (۲) شد. از جمله ویژگی‌های برجسته مقررات بال (۲) باید به وجود سه رکن (Pillar) اصلی در آن اشاره کرد: ۱. حداقل سرمایه مورد نیاز ۲. فرآیند بررسی نظارتی و ۳. نظم بازار. مقررات بال (۲) تغییراتی را در محاسبات دارایی‌های موزون شده به ریسک به وجود آورد. طبق این مقررات، دسته‌بندی طبقات دارایی‌ها در بال (۱) با جزییات بیشتر و وزن‌دهی ریسک دارایی‌ها با امکان نوسان و تغییرپذیری بالاتر، ارایه و همچنین رتبه‌بندی صورت گرفته توسط شرکت‌های رتبه‌بندی به عنوان عامل اصلی در وزن‌دهی ریسک‌ها در نظر گرفته شد. نکته حایز اهمیت در مقررات بال (۲) آن بود که بانک‌ها مجاز به استفاده از روش‌های داخلی برای اندازه‌گیری ریسک اعتباری خود شدند که بر اساس آن ضرایب ثابت و از پیش تعیین شده‌ای برای دارایی‌های مختلف در نظر گرفته نمی‌شد. علاوه بر این، در این استاندارد، ریسک عملیاتی نیز مورد توجه قرار گرفته بود.

با شکل‌گیری بحران مالی در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ میلادی که به بخش بانکی سرایت کرد و باعث کاهش سطح ثبات و سلامت آن بخش شد، کمیته بال به دنبال رفع کاستی‌های موجود در سند بال (۲) گردید. در واقع با توجه به اهداف اولیه در نظر گرفته شده در بال (۲) مشخص گردید که اجرایی نمودن استاندارد معرفی شده در بال (۲) و رسیدن به اهداف تعیین شده در آن با چالش‌هایی مواجه است. لذا با توجه به عدم موفقیت مقررات بال (۲) در دستیابی به اهداف اولیه از جمله تضمین سلامت و ثبات سیستم بانکی و نیز وقوع بحران مالی که

حاکمی از عدم کفایت سطوح سرمایه نهادهای بانکی و پایین آمدن کیفیت سرمایه بانکها بود، تغییراتی در قوانین و مقررات بال ایجاد شد که نهایتاً تحت عنوان قوانین و مقررات بال (۳) ارایه گردید.

چارچوب مقررات معرفی شده در سند بال (۳) بر افزایش سطح استحکام و انعطاف پذیری سیستم بانکی استوار است. چرا که سیستم بانکی مستحکم و مقاوم در برابر بحران، پایه رشد اقتصادی پایدار در هر کشوری به شمار می آید. سند بال (۳) بیانگر اصلاحات انجام گرفته در سند بال (۲) توسط کمیته بال به منظور تقویت قواعد مربوط به سرمایه و نقدینگی با هدف بهبود سطح انعطاف و مقاومت بخش بانکی می باشد. هدف اصلاحات مذکور بهبود توانایی بخش بانکی به منظور افزایش مقاومت و جذب شوک های ناشی از بحران های مالی و اقتصادی فارغ از ریشه شکل گیری آن بحران، در راستای کاهش ریسک سرایت از بخش مالی به بخش واقعی اقتصاد می باشد. همچنین، کمیته بال به واسطه بسته اصلاحی خود در سند بال (۳)، به دنبال بهبود سطح مدیریت ریسک، حکمرانی و نیز شفافیت و افشاء اطلاعات بانکها می باشد. اصلاحات انجام گرفته در این سند در بردارنده یک تمرکز احتیاطی کلان است که ریسک های سیستمی مربوط به بخش بانکی و نیز ادوار تجاری را مورد توجه قرار می دهد. شاید بتوان یکی از مهمترین ویژگی های سند بال (۳) را ارتقاء کیفیت و کمیت سرمایه تلقی نمود. بر این اساس، توجه خاصی به باکیفیت ترین بخش سرمایه هر بانک یعنی سرمایه عادی لایه (۱) یا (CET1) شده است. در سند مذکور نسبت سرمایه عادی لایه (۱) به دارایی های موزون به ریسک ۴/۵٪ تعیین شده است. همچنین، نسبت سرمایه لایه ۱ باید همواره به میزان حداقل ۶٪ و نسبت کل سرمایه (مجموع سرمایه لایه ۱ و سرمایه لایه ۲) باید همواره حداقل به میزان ۸٪ از دارایی های موزون شده به ریسک باشد. در کنار این الزامات، بال (۳) دو سپر سرمایه حفاظتی و سپر ضد چرخه ای که هر کدام به میزان ۲/۵٪ تعیین شده اند را معرفی نموده است. همچنین، برای بانک های مهم سیستمی، الزامات سرمایه ای بالاتر حداقل معادل ۲/۵٪ الزامی گردیده است. در واقع، از آنجا که به هم پیوستگی های بیش از حد در میان بانک های مهم سیستمی باعث انتقال شوک های بانکی به سیستم مالی و اقتصادی می گردد، بانک های مهم سیستمی لازم است سرمایه برای جذب زیان فراتر از حداقل استاندارد مورد نیاز داشته باشند که این موضوع در سند بال (۳) مورد توجه قرار گرفته است.

از دیگر مشخصه های مهم سند بال (۳) معرفی نسبت اهرمی است. بر این اساس، کمیته بال، با هدف محدود کردن سطح اهرمی در بخش بانکی و نیز معرفی یک نسبت اضافی برای سرمایه که شفاف، ساده و مستقل از ریسک باشد مجموعه الزامات مربوط به نسبت اهرمی را معرفی نموده است. همچنین، ارایه استانداردهای جدید در خصوص نقدینگی، از دیگر مشخصه های مهم سند مذکور می باشد که بر اساس آن دو شاخص نسبت پوشش

نقدینگی (LCR) و نسبت تأمین مالی خالص با ثبات (NSFR) با هدف مدیریت ریسک نقدینگی در افق‌های زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت معرفی شده است.

در مجموع می‌توان مهمترین ویژگی‌ها و مشخصه‌های اصلی مقررات بال (۳) را به صورت زیر عنوان نمود:

- الزام به حفظ نسبت‌های سرمایه‌ای بالاتر؛
- حذف منابع ضعیف سرمایه‌ای؛
- الزامات سرمایه‌ای ضد چرخه‌ای؛
- تقویت سطح پوشش ریسک؛
- استفاده از نسبت اهرمی؛
- ذخیره‌گیری با رویکرد آینده‌نگر؛
- معرفی نسبت‌های نقدینگی.

با ذکر این مقدمه، به پیوست ترجمه بخش اول سند بال (۳) که عمدتاً در بردارنده چارچوب الزامات مربوط به سرمایه و اجزای مختلف سرمایه نظارتی است، جهت استحضار و بهره‌برداری ایفاد می‌گردد. همان‌گونه که استحضار دارند، تاکنون بخش‌های عمده‌ای از سند بال (۲) نیز به شبکه بانکی ابلاغ شده است که ان‌شاء... بخش نهایی سند مذکور و نیز بخش دوم و پایانی سند بال (۳) نیز در آینده نزدیک ارسال خواهد شد. امید می‌رود، با ترجمه و انتشار اسناد معتبر بین‌المللی بتوان گام مهمی در ارتقاء سطح مدیریت ریسک در شبکه بانکی که نتیجه آن بهبود نظارت مبتنی بر ریسک و از طرفی نزدیک شدن چارچوب فعالیت بانکی و نیز سیستم نظارت بانکی به استانداردهای جهانی است، برداشت. /۳۴۴۹۷۴۵ ی

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی
اداره مطالعات مقررات بانکی
عبدالمهدی ارجمند
۲۲۱۵۹۰۲
۲۸۱۲۴
مطالعات و مقررات
غالب



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

اقتصاد مقاومتی: تولید- اشتغال

رونوشت:

_ جامعه حسابداران رسمی ایران ، جناب آقای علوی، دبیر محترم جامعه حسابداران رسمی ایران، جهت استحضار.

ترجمه سند بال (۳):

چارچوب مقرراتی جهانی به منظور داشتن

بانک‌ها و سیستم‌های بانکی مقاوم‌تر

(نسخه اصلاح‌شده: ژوئن ۲۰۱۱)

از انتشارات کمیته نظارت بانکی بال

بانک تسویه بین‌المللی

بخش اول

مترجم:

دکتر منصور ملکی

معاونت نظارتی

بانک مرکزی جمهوری

اسلامی ایران

بلوار میرداماد، شماره ۱۹۸

تلفن: ۲۹۹۵۱ (+۹۸۲۱)

وب سایت: www.cbi.ir

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
معاونت نظارتی



استفاده از مطالب این سند با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست مطالب

۱	مقدمه:
۳	الف. تقویت چارچوب بین المللی سرمایه
۳	(۱) افزایش سطح کیفیت، ثبات و شفافیت سرمایه پایه بانک‌ها
۵	(۲) تقویت سطح پوشش ریسک
۸	(۳) تکمیل الزامات سرمایه‌ای مبتنی بر ریسک با شاخص نسبت اهرمی
۹	(۴) کاهش سطح هم‌راستایی با ادوار تجاری و بهبود سپرده‌های سرمایه‌ای ضد دوره‌ای
۱۰	اثر رفتار ادواری حداقل الزامات
۱۱	ذخیره‌گیری با رویکرد آینده‌نگر
۱۲	سرمایه حفاظتی
۱۳	رشد اعتباری بیش از حد
۱۴	(۵) در نظر گرفتن ریسک سیستمی و به هم پیوستگی
۱۵	ب. معرفی یک استاندارد جهانی در خصوص نقدینگی
۱۷	(۱) نسبت پوشش نقدینگی
۱۸	(۲) نسبت خالص تأمین مالی با ثبات
۱۸	(۳) ابزارهای پاشی
۲۰	ج. ترتیبات مربوط به دوره گذار
۲۰	د. دامنه کاربرد
۲۱	بخش ۱: الزامات حداقل سرمایه و سپرده‌های سرمایه‌ای
۲۱	تعریف سرمایه
۲۱	الف. اجزای سرمایه
۲۲	ب. جزئیات مربوط به الزامات سرمایه‌ای
۲۴	معیارهای طبقه‌بندی به عنوان سهام عادی برای اهداف سرمایه نظارتی:
۲۶	معیارهای قرار گرفتن در سرمایه اضافی لایه ۱:
۲۹	معیارهای قرار گرفتن در سرمایه لایه ۲:

مقدمه:

۱. این سند^۱، به همراه سند دیگری با عنوان «بال ۳: چارچوب بین‌المللی به منظور اندازه‌گیری، استانداردها و پایش ریسک نقدینگی» بیانگر اصلاحات انجام گرفته توسط کمیته بال^۲ به منظور تقویت قواعد مربوط به سرمایه و نقدینگی با هدف بهبود بخش بانکی مقاوم‌تر می‌باشد. هدف اصلاحات مذکور بهبود توانایی بخش بانکی به منظور جذب شوک‌های ناشی از بحران مالی و اقتصادی فارغ از ریشه شکل‌گیری آن بحران، در راستای کاهش ریسک سرایت از بخش مالی به بخش واقعی اقتصاد است. این سند در بردارنده مجموعه مقررات و جداول زمانی جهت اجرای چارچوب بال ۳ می‌باشد.
۲. کمیته بال، در بسته اصلاحی جامع خود آموزه‌های بحران مالی اخیر را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. کمیته همچنین به واسطه بسته اصلاحی، به دنبال بهبود بهبود مدیریت ریسک و حکمرانی و نیز تقویت سطح شفافیت و افشاء بانک‌ها می‌باشد.^۳ همچنین، بسته اصلاحی شامل تلاش‌های صورت گرفته توسط کمیته به منظور تقویت وضعیت حل و فصل مالی بانک‌های مهم سیستمی فرامرزی است.^۴
۳. سیستم بانکی مستحکم و مقاوم در برابر بحران، پایه رشد اقتصادی پایدار است، همچنان که

^۱ متن حاضر ترجمه سند ذیل می‌باشد:

Basel III: A global regulatory framework for more resilient banks and banking systems, December ۲۰۱۰ (rev June ۲۰۱۱)

^۲ کمیته نظارت بانکی بال در بردارنده نمایندگان ارشد مقامات نظارتی و بانک‌های مرکزی کشورهای آرژانتین، استرالیا، بلژیک، برزیل، کانادا، چین، فرانسه، آلمان، هنگ‌کنگ، هندوستان، اندونزی، ایتالیا، ژاپن، کره، لوکزامبورگ، مکزیک، هلند، روسیه، عربستان سعودی، سنگاپور، آفریقای جنوبی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، ترکیه، بریتانیا، و ایالات متحده می‌باشد. جلسات کمیته معمولاً در بانک تسویه بین‌المللی (BIS) واقع در شهر بازل سوئیس که دبیرخانه دائمی آن در این شهر قرار دارد، برگزار می‌شود.

^۳ در جولای سال ۲۰۰۹، کمیته بال بسته‌ای از اقدامات به منظور تقویت مقررات سال ۱۹۹۶ در خصوص سرمایه دفاتر تجاری و نیز جهت بهبود ارکان چارچوب بال ۲ را نیز معرفی نمود. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به:

Enhancements to the Basel II framework (July ۲۰۰۹), available at www.bis.org/publ/bcbs1۵۷.htm.

^۴ این تلاش‌ها شامل توصیه‌های کمیته در خصوص تقویت مقامات حل و فصل مالی کشورها در سطح ملی و اجرای فرامرزی اختیاراتشان در این زمینه می‌باشد. کمیته بال گروه حل و فصل بانکی فرامرزی (Cross-border Bank Resolution Group) خود را ملزم به تهیه گزارش در خصوص این موضوعات نموده است: آموزه‌های بحران، تغییرات اخیر و تعدیلات چارچوب‌های ملی برای حل و فصل فرامرزی، مؤثرترین عوامل چارچوب‌های ملی فعلی و نیز جنبه‌هایی از چارچوب‌های فعلی ملی که ممکن است پاسخ بهینه به بحران را مختل کند. برای اطلاع از جزئیات بیشتر به این سند مراجعه شود:

Report and recommendations of the Cross-border Bank Resolution Group (March ۲۰۱۰), available at www.bis.org/publ/bcbs1۶۹.htm.



بانکها در مرکز فرایند واسطه گری اعتباری بین پس انداز کنندگان و سرمایه گذاران قرار دارند. علاوه بر این، بانکها خدمات اساسی به مشتریان، کسب و کارهای کوچک و متوسط، شرکت های سهامی بزرگ و نیز دولت ها که به بانکها برای انجام فعالیت های تجاری روزمره خود متکی هستند، در سطح ملی و بین المللی ارایه می نمایند.

۴. یکی از دلایل تشدید بحران مالی و اقتصادی که از سال ۲۰۰۷ آغاز شده بود، آن بود که بخش های بانکی در بسیاری از کشورها نسبت های اهرمی بالایی را در اقلام بالا و پایین خط ترازنامه داشته اند. این امر با فرسایش تدریجی سطح و کیفیت سرمایه پایه همراه بود. همزمان، خیلی از بانکها سپرهای نقدینگی ناکافی در اختیار داشتند. بنابراین، نظام بانکی قادر به جذب زیان های اعتباری و تجاری سیستمی نبوده و همچنین نمی توانست واسطه گری مجدد منابع در معرض ریسک کلان مربوط به اقلام زیر خط ترازنامه را که در نظام بانکی سایه ای ایجاد شده بودند را انجام دهد. این بحران به واسطه فرایند کاهش نسبت اهرمی همراستا با ادوار تجاری و نیز روابط متقابل نهادهای سیستمی از طریق مجموعه ای از مبادلات پیچیده تشدید گردید. در طول شدیدترین دوره بحران، بازار اعتماد خود را به قدرت ایفای تعهدات مالی و وضعیت نقدینگی بسیاری از نهادهای بانکی از دست داد. ضعف های ایجاد شده در بخش بانکی به سرعت به دیگر بخش های سیستم مالی و نیز اقتصاد واقعی سرایت کرده و منجر به یک انقباض شدید در نقدینگی و سطح دسترسی به منابع اعتباری گردید. در نهایت بخش دولتی مجبور به مداخله از طریق تزریق بی سابقه نقدینگی، پشتیبانی سرمایه ای و ارایه تضامین شد که این موضوع زیان های قابل توجهی را برای مالیات دهندگان در پی داشت.

۵. بحران مالی بر بانکها، نظام های مالی و اقتصادهای مختلف در زمان شروع گسترش بحران به سرعت اثر گذاشت. هرچند، این بحران همچنین به چرخه وسیع تری از کشورهای جهان سرایت نمود. البته برای این کشورها به دلیل انقباض شدید در نقدینگی جهانی، کاهش دسترسی به منابع اعتباری بین المللی و نیز کاهش تقاضا برای صادرات، مسیرهای انتقال بحران کمتر به صورت مستقیم بود. با توجه به دامنه و سرعت گسترش بحران اخیر و نیز بحران های گذشته در سطح جهان و همچنین طبیعت غیرقابل پیش بینی بحران های آتی، ضروری است که همه کشورها سطح مقاومت بخش های بانکی خود را هم در برابر شوک های



داخلی و هم در مقابل شوک‌های خارجی افزایش دهند.

۶. کمیته بال به منظور مواجهه با شکست‌های بازار که به واسطه بحران مالی آشکار گردید، برخی از اصلاحات اساسی را در خصوص چارچوب مقرراتی بین‌المللی معرفی می‌نماید. اصلاحات مزبور باعث تقویت مقررات در سطح بانکی یا مقررات احتیاطی خرد می‌شود که در نتیجه سطح مقاومت هر کدام از نهادهای بانکی را در دوره‌های شکل‌گیری بحران افزایش می‌دهد. این اصلاحات همچنین در بردارنده یک تمرکز احتیاطی کلان است که ریسک‌های سیستمی ایجاد شده در بخش بانکی و نیز تشدید اثرات ریسک‌های مذکور هم‌راستا با ادوار تجاری را مورد توجه قرار می‌دهد. پرواضح است که این رویکردهای احتیاطی مقررات نظارتی در سطح خرد و کلان متقابلاً به همدیگر مرتبطند به طوری که سطح مقاومت بالاتر هر کدام از بانک‌ها منجر به کاهش ریسک سیستمی شوک‌های ایجاد شده می‌گردد.

الف. تقویت چارچوب بین‌المللی سرمایه

۷. کمیته بال بر اساس سه رکن بیان شده در چارچوب بال ۲ به دنبال ارتقای سطح مقاومت بخش بانکی از طریق تقویت چارچوب سرمایه نظارتی می‌باشد. اصلاحات انجام گرفته به دنبال افزایش کیفیت و کمیت سرمایه نظارتی و بهبود سطح پوشش ریسک در چارچوب سرمایه است. این اصلاحات بر اساس یک نسبت اهرمی استوار است که این نسبت به عنوان پوششی محافظتی برای سنج‌های مبتنی بر ریسک سرمایه عمل کرده و به دنبال محدود کردن نسبت‌های بالای اهرمی در سیستم بانکی می‌باشد به طوری که این نسبت یک لایه اضافی محافظ در برابر ریسک‌های مدل و خطای اندازه‌گیری را فراهم می‌نماید. نهایتاً، کمیته در راستای لحاظ نمودن ریسک‌های سیستمی ناشی از فعالیت‌های هم‌راستا با ادوار تجاری و به هم پیوستگی‌های نهادهای مالی، برخی از اجزای مقررات احتیاطی کلان در چارچوب سرمایه را معرفی می‌نماید.

(۱) افزایش سطح کیفیت، ثبات و شفافیت سرمایه پایه بانک‌ها

۸. پشتیبانی منابع در معرض ریسک بانک‌ها توسط سرمایه‌ای با کیفیت بالا، موضوعی بسیار



حیاتی و ضروری است. بحران مالی اخیر نشان داد که زیان های اعتباری و کاهش ارزش دفتری دارایی ها از ناحیه سود انباشته که خود جزء مشخصی از حقوق صاحبان سهام می باشد حاصل می شود. این بحران همچنین ناسازگاری های موجود در تعریف سرمایه در بین کشورهای مختلف و نیز فقدان سطح مناسبی از افشاء که بازار را قادر به ارزیابی کامل و مقایسه کیفیت سرمایه بین نهادهای مختلف می سازد را آشکار نمود.

۹. در راستای این هدف، برجسته ترین شکل سرمایه لایه ۱ باید سهام عادی و سود انباشته باشد. به منظور حصول اطمینان از اینکه شرکت های غیرسهامی سطوح قابل قبولی از سرمایه با کیفیت لایه ۱ را نگهداری می کنند، استاندارد بیان شده در این سند از طریق مجموعه ای از اصول که می تواند با توجه به شرایط شرکت های مذکور مورد استفاده قرار گیرد، تقویت شده است. در این خصوص، کسورات از سرمایه و فیلترهای احتیاطی به طور بین المللی هماهنگ شده و به طور کلی در سطح حقوق صاحبان سهام عادی یا معادل آن در خصوص شرکت های غیرسهامی اعمال می گردد. سایر اقلام مربوط به سرمایه لایه ۱ باید متشکل از ابزارهای سرمایه ای باشند که تبعی بوده، پرداخت سود آن ها کاملاً صلاح دیدی باشد و سود قابل پرداخت تجمیعی یا کوپن سود نداشته و نیز تاریخ سررسید و انگیزه ای برای بازخرید آن ها وجود نداشته باشد. همچنین، ابزارهای نوآورانه سرمایه ای چندوجهی^۵ که به واسطه برخورداری از ویژگی هایی نظیر شروط پرداخت سود پلکانی برای بازخرید آن ها انگیزه وجود دارد و در حال حاضر محدود به ۱۵ درصد از سرمایه لایه ۱ می باشد، به مرور از محاسبات لایه ۱ خارج خواهد شد. علاوه براین، ابزارهای سرمایه ای لایه ۲ در سطح بین المللی هماهنگ خواهد شد و نیز ابزارهای سرمایه لایه ۳ که تنها برای پوشش ریسک های بازار در نظر گرفته می شدند، حذف می گردد. نهایتاً، به منظور بهبود نظم بازار، سطح شفافیت سرمایه پایه بهبود خواهد یافت به طوری که همه اقلام سرمایه به همراه گزارشات حسابداری تلفیق شده با جزئیات کامل باید افشاء گردد.

۱۰. کمیته تغییرات مزبور را به نحوی معرفی می نماید که اخلاص و ناهماهنگی در مورد ابزارهای سرمایه ای که در حال حاضر در محاسبات گنجانده شده اند به حداقل ممکن برسد. این کمیته همچنین، به بررسی نقش سرمایه احتیاطی که باید در چارچوب سرمایه نظارتی ایفا نماید را

^۵. Innovative hybrid capital instruments



ادامه می دهد.

(۲) تقویت سطح پوشش ریسک

۱۱. یکی از آموزه های کلیدی بحران اخیر، درک وجود نیاز برای تقویت سطح پوشش ریسک در چارچوب سرمایه بانک ها بوده است. عدم موفقیت در لحاظ نمودن ریسک های اصلی اقسام بالا و پایین خط ترازنامه و نیز ابزارهای مشتقه مربوطه در منابع در معرض ریسک یکی از عوامل کلیدی بی ثبات کننده در طول وقوع بحران بود.

۱۲. در پاسخ به این کاستی ها، کمیته بال در جولای ۲۰۰۹ برخی از اصلاحات اساسی مربوط به چارچوب بال ۲ را معرفی نمود. مجموعه این اصلاحات منجر به افزایش سطح الزامات سرمایه ای برای منابع در معرض ریسک مربوط به دفاتر تجاری و اوراق بهادار سازی های پیچیده که یکی از منابع اصلی ایجاد زیان برای بسیاری از بانک های فعال بین المللی بودند، گردید. روش محاسباتی ارتقاء یافته مزبور، مفهومی را با عنوان الزامات سرمایه ای بر اساس ارزش در معرض ریسک تحت شرایط بحران^۶ مبتنی بر یک دوره مستمر ۱۲ ماهه شرایط بحران مالی قابل توجه، معرفی می نماید. علاوه بر این، کمیته الزامات سرمایه ای بالاتری را نیز برای آنچه که تحت عنوان اوراق بهادار سازی مجدد^۷ نامیده می شود معرفی نموده که این الزامات هم برای دفاتر تجاری و هم برای دفاتر بانکی اعمال می گردد. این اصلاحات همچنین، استانداردهای مربوط به فرایند ارزیابی نظارتی رکن ۲ و نیز ضوابط افشاء رکن ۳ را تقویت می نماید. الزامات مربوط به تقویت رکن ۱ و رکن ۳ باید تا پایان سال ۲۰۱۱ اجرا گردد؛ استانداردهای اصلاحی مربوط به رکن ۲ از زمانی که در جولای ۲۰۰۹ معرفی گردید الزامی شده اند. کمیته همچنین در حال انجام یک بازنگری اساسی در مورد دفاتر تجاری بانک است. انتظار می رود که این بازنگری اساسی در دفاتر تجاری تا پایان سال ۲۰۱۱ به انجام رسد.

۱۳. این سند همچنین سنجه هایی را به منظور تقویت الزامات سرمایه ای برای منابع در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل، ناشی از فعالیت های مربوط به تأمین مالی بانک از طریق

^۶. stressed value-at-risk (VaR)

^۷. securitisations



ابزارهای مشتقه، توافقنامه بازخرید و اوراق بهادار معرفی می نماید. این اصلاحات منجر به افزایش سطح سپرده های سرمایه ای برای پشتیبانی از این گونه منابع در معرض ریسک، کاهش میزان رفتارهای هم راستا با ادوار تجاری بانک ها و ایجاد انگیزه های بیشتر به منظور انتقال قراردادهای مبادله اوراق مشتقه در خارج از بورس (فرا بورس) به اتاق پای پای طرف های مقابل مرکزی^۸ خواهد شد که جملگی باعث کمک به کاهش ریسک سیستمی در سیستم مالی می گردد. اصلاحات مزبور همچنین انگیزه هایی را برای تقویت سطح مدیریت ریسک منابع در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل ایجاد می کند.

۱۴. برای دستیابی به این هدف، کمیته اصلاحات ذیل را معرفی می نماید:

الف) با نگاهی آینده نگر، بانک ها باید الزامات سرمایه ای خود را برای ریسک اعتباری طرف مقابل با استفاده از داده های شرایط بحران تعیین نمایند. این رویکرد باعث در نظر گرفتن نگرانی ها در خصوص کاهش شدید پوشش های سرمایه ای در دوره انقباض نوسانات بازار و کمک به لحاظ نمودن حرکت هم راستا با ادوار تجاری بانک ها خواهد شد. این رویکرد که مشابه رویکرد معرفی شده برای ریسک بازار است، همچنین باعث بهبود بیشتر مدیریت بکپارچه ریسک بازار و ریسک اعتباری طرف مقابل خواهد شد.

ب) بانک ها ملزم به نگهداری پوشش سرمایه برای زیان های بالقوه ناشی از تعدیل ارزش دارایی بر اساس ارزش بازار «یعنی ریسک تعدیل ارزش گذاری اعتباری^۹ (CVA)» که مرتبط با کاهش رتبه اعتباری طرف مقابل است، می باشد. گرچه استاندارد بال ۲ ریسک نکول طرف مقابل را پوشش می دهد، لکن استاندارد مزبور ریسک CVA را که منبع زیان مهم تری نسبت به زیان های ناشی از نکول متداول است در نظر نمی گیرد.

ج) کمیته بال در حال تقویت استانداردهای مربوط به مدیریت وثایق و حاشیه اولیه ارزش وام و ارزش وثیقه می باشد. بانک های دارای منابع در معرض ریسک اوراق مشتقه با حجم بالا و غیر نقد مربوط به طرف مقابل می باشند، لازم است دوره های زمانی طولانی تری را برای محاسبه حاشیه ارزش وثیقه از وام به عنوان پایه ای برای تعیین الزامات سرمایه نظارتی در نظر گیرند. همچنین، استانداردهای دیگری نیز به منظور تقویت اقدامات مربوط به

^۸. central counterparties

^۹. credit valuation adjustment



مدیریت ریسک و ثایق اتخاذ گردیده است.

د) به منظور در نظر گرفتن ریسک سیستمی که ناشی از به هم پیوستگی های بانک ها و دیگر نهادهای مالی از طریق بازارهای اوراق مشتقه می باشد، کمیته بال از تلاش های صورت گرفته کمیته نظام های پرداخت و تسویه^{۱۰} (CPSS) و نیز سازمان بین المللی کمیسیون های اوراق بهادار^{۱۱} (IOSCO) جهت پایه ریزی استانداردهای محکم برای زیرساخت های بازار مالی از جمله اتاق پایاپای مرکزی طرف مقابل پشتیبانی می نماید. فرایند افزایش سرمایه پوششی برای منابع در معرض ریسک بانک مربوط به اتاق پایاپای مرکزی طرف مقابل^{۱۲} (CCPs) بر میزان تطبیق CCPs مزبور با چنین استانداردهایی که بعد از یک فرایند دریافت نظرات مشورتی در سال ۲۰۱۱ نهایی خواهد شد، مبتنی خواهد بود. وثایق بانک و منابع در معرض ریسک ارزش گذاری شده بر اساس قیمت بازار در اتاق های پایاپای طرف مقابل مرکزی که این اصول مترقی را برآورده سازند، وزن ریسک پایین، ۲ درصد پیشنهادی خواهند داشت و منابع در معرض ریسک مربوط به وجوهی که در اتاق های پایاپای مرکزی نکول شده اند بر اساس الزامات سرمایه ای حساس به ریسک وزن دهی خواهند شد. این معیار، همراه با الزامات سرمایه ای تقویت شده برای منابع در معرض ریسک اوراق مشتقه دوجانبه خارج از بورس، انگیزه های قوی تری را برای بانک ها به منظور انتقال این گونه منابع در معرض ریسک به CCPs ایجاد خواهد کرد. علاوه بر این، به منظور در نظر گرفتن ریسک سیستمی در بخش مالی، کمیته همچنین اوزان ریسک مربوط به منابع در معرض ریسک برای نهادهای مالی را در مقایسه با بخش شرکت های غیرمالی را از آن جهت که منابع در معرض ریسک مالی نسبت به منابع در معرض ریسک غیرمالی همبستگی بسیار بیشتری با هم دارند، افزایش می دهد.

ه) کمیته به دنبال ارتقاء استانداردهای مربوط به مدیریت ریسک اعتباری طرف مقابل در برخی زمینه ها از جمله برای طرز مواجهه با ریسک روش نادرست (wrong-way risk) یعنی حالتی که منابع در معرض ریسک همزمان با کاهش کیفیت اعتباری طرف مقابل افزایش می یابد، می باشد. این کمیته همچنین، رهنمود تکمیلی نهایی را برای انجام

^{۱۰} . Committee on Payments and Settlement Systems

^{۱۱} . International Organization of Securities Commissions

^{۱۲} . central counterparties



صحیح آزمون گذشته نگر^{۱۳} در خصوص منابع در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل را منتشر نمود.

۱۵. در نهایت، کمیته بال برخی از اقدامات در خصوص کاهش سطح اتکا به رتبه بندی بیرونی در چارچوب بال ۲ را ارزیابی نمود. این اقدامات شامل الزاماتی برای بانک ها به منظور انجام ارزیابی داخلی خود برای منابع در معرض ریسک از نوع اوراق بهادار سازی که به صورت بیرونی رتبه بندی شده اند، حذف «اثرات صخره»^{۱۴} مشخص و مرتبط با فعالیت های کاهنده ریسک اعتباری، و نیز ترکیب عناصر کلیدی مبانی رفتار حرفه ای برای نهادهای رتبه بندی اعتباری منتشره از سوی IOSCO با معیارهای قابل قبول کمیته برای استفاده از رتبه بندی بیرونی در چارچوب سرمایه می باشد. کمیته همچنین در حال انجام یک بازنگری اساسی در خصوص چارچوب اوراق بهادار سازی با در نظر گرفته میزان اتکا آن به رتبه بندی بیرونی می باشد.

(۳) تکمیل الزامات سرمایه ای مبتنی بر ریسک با شاخص نسبت اهرمی

۱۶. یکی از ویژگی های اصلی بحران مالی ایجاد نسبت اهرمی بالا برای اقلام بالا و پایین خط ترازنامه در سیستم بانکی بود. ایجاد نسبت های اهرمی بالا همچنین از جمله ویژگی های بحران های مالی قبلی مثلاً بحران منتهی به سپتامبر سال ۱۹۹۸ بوده است. در طول شدیدترین دوره بحران، بخش بانکی به منظور کاهش نسبت اهرمی تحت فشار بازار بود به طوری که فشار معکوس بر قیمت دارایی ها، چرخه سریع تر بازخورد مثبت بین زیان ها، کاهش در سرمایه بانک و نیز کاهش در سطح دسترسی به اعتبار تشدید گردید. بر این اساس، کمیته مجموعه الزامات مربوط به نسبت اهرمی به منظور دستیابی به اهداف زیر را معرفی می نماید:

➤ محدود کردن سطح اهرمی در بخش بانکی؛ این امر باعث کمک به کاهش ریسک فرایندهای بی ثبات کننده کاهش نسبت اهرمی که می تواند سیستم بانکی و کل اقتصاد را مختل نماید، می شود؛ و

^{۱۳}. backtesting

^{۱۴}. cliff effects



➤ معرفی یک حفاظ اضافی در مقابل خطای اندازه‌گیری و ریسک مدل با تکمیل اندازه‌گیری مبتنی بر ریسک از طریق یک سنجه ساده، شفاف و مستقل از ریسک.

۱۷. نسبت اهرمی با استفاده از یک روش قابل مقایسه بین کشورهای مختلف که با توجه به تفاوت‌های موجود در استانداردهای حسابداری تعدیل شده است، محاسبه می‌شود. کمیت، نسبت اهرمی را به عنوان سنجه‌ای تکمیلی و معتبر برای الزامات مبتنی بر ریسک با نظرداشت حرکت به سمت اجرایی کردن رکن ۱ بر اساس یک بررسی و تنظیم‌گری مناسب طراحی نموده است.

(۴) کاهش سطح هم‌راستایی با ادوار تجاری و بهبود سپرده‌های سرمایه‌ای ضد دوره‌ای

۱۸. یکی از عناصر مهم بی‌ثبات‌کننده در بحران، تشدید شوک‌های مالی هم‌راستا با ادوار تجاری در نظام بانکداری، بازارهای مالی و کل اقتصاد بوده است. تمایل فعالان بازار به رفتار هم‌راستا با ادوار تجاری به واسطه کانال‌های اثرگذار مختلف از جمله از طریق استانداردهای حسابداری برای دارایی‌های قیمت‌گذاری شده بر اساس ارزش بازار و وام‌های قابل نگهداری تا سررسید، فعالیت‌های مربوط به محاسبه حاشیه ارزش و نیز از طریق بالا بردن و رها سازی سطح اهرمی در بین نهادهای مالی، بنگاه‌ها و نیز مصرف‌کنندگان تشدید شده است. کمیت به بال برخی از اقدامات را به منظور افزایش سطح مقاومت بانک‌ها در برابر این گونه پویایی‌های هم‌راستا با ادوار تجاری معرفی می‌کند. این اقدامات به حصول اطمینان از این که بخش بانکی به عنوان یک جذب‌کننده شوک به جای منتقل‌کننده ریسک به سیستم مالی و کل اقتصاد عمل می‌کند، کمک خواهد نمود.

۱۹. علاوه بر نسبت اهرمی که در قسمت قبل مورد بحث قرار گرفت، کمیت به برخی دیگر از اقدامات به منظور در نظر گرفتن اثرات هم‌راستایی با ادوار تجاری و افزایش سطح مقاومت بخش بانکی در زمان‌های مناسب را معرفی می‌نماید. این اقدامات اهداف کلیدی زیر را دنبال می‌نماید:

➤ تعدیل هرگونه آثار اضافی ادواری در خصوص حداقل الزامات سرمایه؛

➤ ارتقاء روش ذخیره‌گیری بر اساس نگاه آینده‌نگر؛



- نگهداری سرمایه به منظور ایجاد سپرهای حفاظتی در سطح بانک ها و کل بخش بانکی که قابلیت استفاده در شرایط بحران را داشته باشد؛ و
- دستیابی به هدف احتیاطی کلان و وسیع تر در خصوص مراقبت بخش بانکی در دوره های زمانی رشد اضافی اعتبار.

اثر رفتار ادواری حداقل الزامات^{۱۵}

۲۰. چارچوب بال ۲ سطح حساسیت به ریسک و نیز سطح پوشش الزامات سرمایه نظارتی را افزایش داد. در واقع، یکی از مهم ترین پویایی های حرکت هم راستا با ادوار تجاری، ناتوانی چارچوب سرمایه و مدیریت ریسک به منظور در نظر گرفتن منابع در معرض ریسک کلیدی - از جمله فعالیت های تجاری پیچیده، اوراق بهادار سازی مجدد و منابع در معرض ریسک مربوط به اقلام زیر خط ترازنامه - در مراحل گسترش یافته بحران بوده است. لکن، بدون معرفی درجه مشخصی از اثر رفتار ادواری در الزامات حداقل سرمایه در طول زمان، امکان دستیابی به حساسیت نسبت به ریسک در نهادهای مالی در یک مقطع زمانی مشخص امکان پذیر نیست. کمیته از این موضوع در طول طراحی چارچوب بال ۲ آگاه بود و بر این اساس، برخی از پوشش های حفاظتی را به منظور در نظر گرفتن اثرات بیشتر رفتار ادواری در تعیین حداقل الزامات را معرفی نمود. این پوشش های حفاظتی شامل الزامات مربوط به استفاده از داده های با افق زمانی بلندمدت به منظور تخمین احتمال نکول، معرفی تخمین های نزولی زیان در صورت نکول (LGD)، و نیز واسنجی^{۱۶} مناسب توابع ریسک می باشد که این موارد تخمین های مربوط به زیان را به الزامات سرمایه نظارتی تبدیل می سازد. کمیته همچنین بانک ها را ملزم به انجام آزمون های بحران نمود تا در نتیجه تغییرات نزولی سبدهای دارایی اعتباری آن ها در طول دوره رکود مورد توجه قرار گیرد.

۲۱. علاوه بر این، کمیته یک فرایند اولیه جامع مربوط به جمع آوری اطلاعات را به منظور ارزیابی اثر چارچوب بال ۲ بر کشورهای عضو در طول چرخه اعتباری پایه ریزی نموده است. چنانچه اثرات رفتار ادواری حداقل الزامات از آنچه مقام های ناظر مناسب تشخیص می دهند بیشتر

^{۱۵}. Cyclicity of the minimum requirement

^{۱۶}. calibration



باشد، آنگاه کمیته تمهیدات بیشتری را به منظور تعدیل چنین اثرات رفتارهای ادواری اتخاذ خواهد کرد.

۲۲. کمیته برخی از اقدامات اضافی را که مقامات ناظر در صورت لزوم می توانند به منظور حصول به سطح تعادل مناسب تری از حساسیت به ریسک و ثبات الزامات سرمایه ای اتخاذ کنند را مورد ارزیابی قرار داده است. به طور خاص، دامنه اقدامات ممکن شامل رویکرد اتخاذ شده توسط کمیته ناظران بانکی اتحادیه اروپا (CEBS) جهت استفاده از فرآیند رکن ۲ به منظور تعدیل تخمین ها برای کاهش سطح احتمال نکول (PD) در الزامات سرمایه ای مبتنی بر رتبه بندی داخلی (IRB) در طول شرایط اعتباری مطلوب با استفاده از تخمین های PD برای سبد دارایی های یک بانک در شرایط رکودی می باشد.^{۱۷} در همین زمینه، مؤسسه خدمات مالی بریتانیا (FSA) با هدف تخمین احتمال های نکول غیرادواری در الزامات مبتنی بر رویکرد رتبه بندی داخلی از طریق استفاده از یک متغیر کمی که داده های تولیدی یک مدل PD بانک را به تخمین های درون دوره ای تبدیل می نماید، رویکردی را پیشنهاد نموده است.^{۱۸}

ذخیره گیری با رویکرد آینده نگر

۲۳. کمیته به دنبال تقویت فرآیند ذخیره گیری قوی تر از طریق سه اقدام ابتکاری مرتبط است. اول اینکه، این کمیته از تغییر در استانداردهای حسابداری به سمت رویکرد زیان مورد انتظار (EL) حمایت می کند. کمیته قویاً از ابتکار^{۱۹} IASB به دلیل حرکت به سمت یک رویکرد EL پشتیبانی می کند. هدف اصلی آن است که سودمندی و میزان مرتبط بودن گزارشات مالی برای ذی نفعان مختلف از جمله مقامات مقررات گذار احتیاطی بهبود یابد. کمیته سندی را مشتمل بر مجموعه ای از اصول راهنمای مترقی که باید اصلاحات صورت گرفته برای جایگزینی سند IAS ۳۹ را هدایت کند، به طور عمومی منتشر کرده که در اختیار IASB نیز قرار گرفته است.^{۲۰}

^{۱۷} برای اطلاع از جزئیات بیشتر رجوع شود به سند ذیل:

www.c-ebs.org/getdoc/V15bc0f9-Vaf9-2Vd9-9Aa8-WAa2d20aM0/CEBS-position-paper-on-a-counter-cyclical-capital-b.aspx.

^{۱۸} برای اطلاع از جزئیات بیشتر رجوع شود به سند ذیل:

www.fsa.gov.uk/pubs/international/variable_scalars.pdf.

^{۱۹} International Accounting Standards Board

^{۲۰} برای جزئیات بیشتر سند مربوط به اصول راهنما برای بازنگری استانداردهای حسابداری برای صورت های مالی منتشر شده توسط کمیته بال در سال ۲۰۰۹ (www.bis.org/press/p090827.htm) را ملاحظه نماید.



کمیته از رویکرد مبتنی بر زیان مورد انتظار که زیان های واقعی را با شفافیت بیشتری در بر می گیرد و همچنین نسبت به رویکرد فعلی «زیان محقق شده» هم راستایی کمتری با ادوار تجاری دارد، پشتیبانی می کند.

۲۴. ثانیاً، کمیته در حال به روزرسانی رهنمود نظارتی خود در جهت سازگاری با فرآیند حرکت به سمت رویکرد مبتنی بر زیان مورد انتظار می باشد. این رهنمود ناظران بانکی را در جهت بهبود فعالیت های ذخیره گیری قوی تر تحت رویکرد مطلوب زیان مورد انتظار راهنمایی خواهد کرد.

۲۵. ثالثاً، این کمیته به دنبال ایجاد انگیزه هایی به منظور ذخیره گیری قوی تر در چارچوب سرمایه نظارتی می باشد.

سرمایه حفاظتی

۲۶. کمیته به دنبال معرفی چارچوبی جهت بهبود سطح محافظت از سرمایه و نیز ایجاد سپرهای حفاظتی کافی بالاتر از حداقل های لازم که البته امکان کاهش در دوره های بحران را دارند، می باشد.

۲۷. در شروع دوره بحران مالی، برخی از بانک ها به رغم شرایط نامطلوب مالی و نیز چشم انداز روبه وخامت بخش بانکی، به توزیع منابع با حجم بالا از طریق توزیع سود سهام، بازخرید سهام و پرداخت های جبرانی سخاوتمندانه خود ادامه دادند. بیشتر این اقدامات به واسطه وجود یک مشکل رفتار گروهی بانک ها شکل گرفت، به طوری که کاهش سطح سود توزیعی به عنوان نشان های از وجود یک ضعف تلقی می شد. با این وجود، این اقدامات هر کدام از بانک ها و نیز کل بخش بانکی را آسیب پذیرتر نمود. خیلی از بانک ها سریعاً به حالت سودآوری بازگشتند لکن اقدام کافی به منظور تجدید ساختار سپرهای سرمایه ای خود به منظور پشتیبانی از فعالیت های جدید وام دهی انجام ندادند. با در نظر گرفتن همه این موارد، این پویایی در سیستم بانکداری منجر به افزایش میزان هم راستایی با ادوار تجاری گردید.

۲۸. به منظور مواجهه با این شکست بازار، کمیته به دنبال معرفی چارچوبی است که بر اساس آن ناظران بانکی ابزارهای قوی تری را به منظور بهبود سطح سرمایه حفاظتی در اختیار داشته باشند. با اجرایی کردن این چارچوب از طریق استانداردهای محافظت از سرمایه که مورد



توافق بین المللی باشد، به افزایش سطح مقاومت بخش بانکی در دوره های که به سمت رکود پیش می رود کمک خواهد شد و نیز این چارچوب مکانیزم هایی را به منظور بازسازی سرمایه در طی دوره اصلاحات اقتصادی فراهم خواهد کرد. علاوه بر این، چارچوب مذکور برای مجاز بودن آرایه پاسخ های سازگار با استاندارد از سوی ناظران و بانک ها، از انعطاف پذیری کافی برخوردار است.

رشد اعتباری بیش از حد

۲۹. همان گونه که در طول بحران مالی مشاهده گردید، زیان های بخش بانکی در دوره رکود که با رشد اعتباری بیش از حد آغاز گردید می تواند به طور قابل توجهی بالا باشد. چنین زیان های هنگفتی که می تواند بخش بانکی را بی ثبات نماید، همچنین می تواند باعث وقوع یا تشدید رکود در بخش واقعی اقتصاد گردد. در ادامه این موضوع می تواند بخش بانکی را با بی ثباتی بیشتری مواجه سازد. این ارتباط درونزا، نشان دهنده اهمیت ویژه بخش بانکی در خصوص ایجاد حفاظ های سرمایه ای در دوره های که سطح اعتبار به سطوح بسیار بالایی رشد می کند، می باشد. ساخت چنین سپر های حفاظتی، مزیت های اضافی دیگری را نیز از جمله کمک به تعدیل رشد اعتباری بیش از حد خواهد داشت.

۳۰. کمیته بال به دنبال معرفی نظامی است که منجر به تعدیل دامنه سپر های سرمایه ای از طریق مکانیزم محافظت سرمایه اشاره شده در بخش قبل، زمانی که نشانه هایی از رشد اعتبار به سطوح فزاینده وجود دارد، می گردد. هدف سپر سرمایه ای ضد ادواری، دستیابی به هدفی گسترده تر از نظارت احتیاطی کلان در خصوص مراقبت از بخش بانکی در دوره های رشد بیش از حد کل اعتبار می باشد.

۳۱. اقدامات مربوط به در نظر گرفتن اثرات رفتار هم دوره ای به نحوی طراحی شده اند که بتوانند مکمل یکدیگر باشند. تدابیر اتخاذ شده در خصوص ذخیره گیری بر تقویت سیستم بانکی در برابر زیان های پیش بینی شده تمرکز دارد، در حالی که اقدامات سرمایه ای بر زیان های پیش بینی نشده متمرکز است. در خصوص اقدامات سرمایه ای، تمایزی بین اقدامات مربوط به در نظر گرفتن اثرات ادواری مربوطه به حداقل الزامات و نیز ایجاد سپر های سرمایه ای بالاتر از حداقل های مقرر وجود دارد. در واقع، این موضوع ثابت شده است که حتی در غیاب



اثرات ادواری حداقل الزامات، سپرده‌های قوی سرمایه‌ای بالاتر از حداقل‌های الزامات سرمایه‌ای برای بانک‌ها بسیار حیاتی می‌باشند. نهایتاً، الزامات مربوط به در نظر گرفتن رشد اعتباری بیش از حد در شرایط عادی به میزان صفر تعیین می‌شود و فقط در دوره‌های زمانی که میزان دسترسی به اعتبار به طور فزاینده‌ای به وقوع بپیوندد، افزایش خواهد یافت. با این حال، حتی در صورت عدم وجود حباب اعتباری، ناظران از بخش بانکی انتظار دارند که سپر حفاظتی فراتر از حداقل‌های لازم جهت محافظت آن‌ها در برابر شوک‌های محتمل شدید که از منابع مختلفی می‌توانند نشأت گیرند، ایجاد نمایند.

(۵) در نظر گرفتن ریسک سیستمی و به هم پیوستگی

۳۲. در حالی که اثرات هم‌راستایی با ادوار تجاری منجر به تشدید شوک در طی دوره زمانی بحران می‌شود، به هم پیوستگی‌های بیش از حد در میان بانک‌های مهم سیستمی نیز باعث انتقال این شوک‌ها به سیستم مالی و اقتصاد می‌گردد. ضروری است، بانک‌های مهم سیستمی سرمایه برای جذب زیان فراتر از حداقل استاندارد مورد نیاز داشته باشند که این موضوع در دست بررسی است. کمیته بال با همکاری هیأت ثبات مالی در حال تدوین یک رویکرد یکپارچه برای نهادهای مالی مهم سیستمی هستند که این رویکرد شامل ترکیبی از سرمایه اضافی^{۲۱}، سرمایه احتیاطی^{۲۲}، و تأمین مالی از طریق منابع داخلی^{۲۳} می‌باشد. به عنوان بخشی از تلاش صورت گرفته، کمیته در حال تدوین طرحی است که بیانگر روش‌شناسی ترکیبی از شاخص‌های کیفی و کمی به منظور ارزیابی اهمیت سیستمی نهادهای مالی در سطح جهانی می‌باشد. کمیته، مطالعه‌ای را نیز در خصوص ابعاد توان جذب زیان اضافی که نهادهای مالی سیستمی بین‌المللی باید دارا باشند انجام می‌دهد. این مطالعه همچنین دربردارنده‌ی یک ارزیابی از میزان جذب زیان در شرایط تداوم فعالیت که باید با ابزارهای پیشنهادی مختلف فراهم شود، می‌باشد. علاوه بر این، تحلیل صورت گرفته توسط کمیته، اقدامات دیگری را در جهت کاهش ریسک‌ها و یا اثرات بیرونی مرتبط با بانک‌های سیستمی، شامل نقدینگی اضافی، محدودیت‌های محکم‌تر مربوط به تسهیلات کلان و نظارت قوی‌تر پوشش می‌دهد.

^{۲۱} . capital surcharges

^{۲۲} . contingent capital

^{۲۳} . bail-in



این کمیته تلاش های خود در این خصوص را در نیمه اول سال ۲۰۱۱ بر اساس فرایندها و برنامه های زمانی تعیین شده در توصیه های هیأت ثبات مالی ادامه خواهد داد.

۳۳. الزامات سرمایه ای چندگانه معرفی شده توسط کمیته بال به منظور کاهش ریسک های ناشی از تسهیلات اعطایی در سطح بنگاه در میان نهادهای مالی بین المللی، به در نظر گرفتن ریسک سیستمی و به هم پیوستگی نیز کمک خواهد کرد. این الزامات شامل موارد ذیل است:

➤ انگیزه های سرمایه ای برای بانک ها به منظور استفاده از اتاق پایاپای مرکزی طرف مقابل برای اوراق مشتقه معامله شده در فرابورس؛

➤ الزامات سرمایه ای بیشتر برای مبادله و فعالیت های تجاری مربوط به اوراق مشتقه، اوراق بهادار سازی های پیچیده و نیز منابع در معرض ریسک پایین خط ترانزنامه (مانند ابزارهای سرمایه گذاری ساختاریافته)^{۳۴}؛

➤ الزامات سرمایه ای بیشتر برای تسهیلات اعطایی در بخش مالی؛ و

➤ معرفی الزامات نقدینگی که بر اساس آن اتکاء بیش از حد به تأمین مالی کوتاه مدت بین بانکی به منظور پوشش دارایی های بلندمدت، مشمول جریمه خواهد شد.

ب. معرفی یک استاندارد جهانی در خصوص نقدینگی

۳۴. الزامات سرمایه ای سخت گیرانه برای ثبات بخش بانکی امری ضروری است اما به تنهایی

کافی نمی باشد. یک پایه نقدینگی محکم نیز که از طریق استانداردهای قوی نظارتی اعمال می گردد دارای اهمیت یکسانی است. هرچند تاکنون در این زمینه استانداردهای یکسان بین المللی وجود نداشته است. بر این اساس، کمیته بال به دنبال معرفی استانداردهای جهانی هماهنگ در خصوص نقدینگی می باشد. همانند استانداردهای جهانی در خصوص سرمایه، استانداردهای مربوط به نقدینگی، الزامات حداقلی را تعیین خواهد کرد و نیز سطوح بین المللی در خصوص فضای رقابتی را جهت پیشگیری از یک رقابت شدید رو به افول بهبود خواهد داد.

۳۵. در اوایل "مرحله نقدینگی" بحران مالی، بسیاری از بانک ها - به رغم داشتن سطوح کافی از سرمایه - به دلیل عدم مدیریت محتاطانه نقدینگی خود با مشکلاتی مواجه گردیدند. بار دیگر

^{۳۴}. structured investment vehicles



بحران مالی این نکته را یادآور شد که نقدینگی در جهت کارکرد صحیح بازارهای مالی و بخش بانکی از اهمیت برخوردار است. قبل از بحران، بازارهای مربوط به دارایی شناور بودند و نیز تأمین مالی با هزینه پایین و با سهولت در دسترس بود. بازگشت سریع در شرایط بازار نشان داد که نقدینگی به چه سرعتی می‌تواند کاسته شود و وضعیت کمبود نقدینگی می‌تواند برای یک دوره زمانی طولانی مدت ادامه یابد. سیستم بانکی تحت یک بحران شدید قرار گرفت، در نتیجه بانک مرکزی به منظور پشتیبانی از عملکرد بازارهای پولی و نیز در برخی موارد، پشتیبانی از برخی نهادها، ناگزیر از اقدام بود.

۳۶. مشکلاتی که برخی از بانک‌ها با آن مواجه شدند به دلیل انحراف در اصول پایه‌ای مربوط به مدیریت ریسک نقدینگی بود. در واکنش به این موضوع، کمیته بال در سال ۲۰۰۸، «اصول مربوط به مدیریت و نظارت صحیح ریسک نقدینگی» را به عنوان مبانی چارچوب نقدینگی خود منتشر نمود^{۲۵}. اصول صحیح مزبور رهنمودهای جزئی را در خصوص نظارت و مدیریت ریسک مربوط به ریسک نقدینگی در تأمین مالی فراهم نمود که انتظار می‌رود سطح مدیریت ریسک را در این زمینه حیاتی ارتقاء دهد، لکن این موضوع تنها با اجرای کامل اصول توسط بانک‌ها و ناظران بانکی قابل تحقق خواهد بود. همین‌طور، کمیته به منظور حصول اطمینان از پذیرش و اجرای این اصول بنیادین توسط ناظران، با جدیت در حال ایجاد هماهنگی لازم می‌باشد.

۳۷. به منظور تکمیل این اصول، کمیته چارچوب نقدینگی را با تدوین دو استاندارد حداقلی برای نقدینگی تأمین مالی تدوین نموده است. یک جزء تکمیلی چارچوب نقدینگی شامل مجموعه‌ای از سنجه‌های پایشی به منظور بهبود سازگاری نظارتی در سطح برون‌مرزی می‌باشد.

۳۸. این استانداردها به منظور حصول به دو هدف مجزا اما مکمل همدیگر تدوین شده است. اولین هدف آن است که سطح مقاومت کوتاه مدت بانک در خصوص نمایه ریسک نقدینگی آن بانک از طریق حصول اطمینان از وجود منابع نقد با کیفیت بالا جهت ادامه فعالیت بانک تحت سناریوی بحران شدید که به مدت یک ماه به طول انجامد، بهبود یابد. کمیته بال به منظور



دستیابی به این هدف، نسبت پوشش نقدینگی^{۲۶} (LCR) را تدوین نمود. دومین هدف آن است که سطح مقاومت بانک در یک افق زمانی بلندمدت از طریق ایجاد انگیزه های بیشتر برای بانک ها به منظور تأمین مالی فعالیت های خود با منابع با ثبات تر تأمین مالی بر یک پایه ساختاری مستمر، افزایش یابد. نسبت تأمین مالی خالص با ثبات^{۲۷} (NSFR) یک افق زمانی یک ساله دارد و به منظور فراهم نمودن یک ساختار سررسیدی پایدار مربوط به دارایی ها و بدهی ها تدوین شده است.

۳۹. این دو استاندارد در برگیرنده پارامترهای مشخص که در سطح بین المللی بر اساس ارزش های تعیین شده همگون شده اند، می باشند. به منظور انعکاس شرایط خاص هر کشور، پارامترهای مشخص شامل عناصری به صلاح دید ناظران ملی می باشد. در این زمینه، لازم است پارامترهای مذکور در مقررات هر کشور به طور شفاف و روشن بیان شود تا شفافیت لازم را هم در سطح ملی و هم در سطح بین المللی فراهم آورد.

(۱) نسبت پوشش نقدینگی

۴۰. نسبت LCR به دنبال دستیابی به این هدف است که سطح مقاومت بانک در برابر اختلال های نقدینگی بالقوه در طول دوره زمانی سی روزه بهبود یابد. این نسبت کمک خواهد کرد که این اطمینان ایجاد شود که بانک های بین المللی دارایی های نقد با کیفیت بالا و مکفی دارند و بدون مشکل می توانند جریان خروجی خالص نقد را که تحت یک سناریوی بحران شدید که ممکن است بانک با آن مواجه شود، پوشش دهند. سناریوی مذکور بر اساس شرایط تجربه شده در بحران مالی بین المللی که از سال ۲۰۰۷ شروع شد طراحی می شود و در بردارنده ویژگی های خاص نهاد مربوطه و نیز شوک های سیستمی می باشد. این سناریو شامل یک شوک قابل توجه اما نه بدترین حالت می باشد و فروض زیر را در نظر می گیرد:

➤ کاهش قابل توجه در رتبه اعتباری نهاد مذکور؛

➤ از دست رفتن بخشی از سپرده ها؛

➤ از دست دادن منابع عمده تأمین مالی تضمین نشده؛

^{۲۶} . Liquidity Coverage Ratio

^{۲۷} . Net Stable Funding Ratio



➤ افزایش قابل توجه در ضرایب تعدیل تأمین مالی تضمین شده؛ و

➤ افزایش در درخواست وثیقه از نوع اوراق مشتقه و نیز درخواست‌های قابل توجه برای منابع در معرض ریسک مربوط به ارقام پایین خط ترازنامه از نوع قراردادی یا غیرقراردادی، شامل اعتبار تعهد شده و تسهیلات نقدینگی.

۴۱. لازم است در قبال نگهداری دارایی‌های نقد با کیفیت، تعهدی وجود نداشته باشد، در طول یک دوره زمانی ایجاد بحران، دارایی مذکور قابلیت نقد شدن در بازار و در حالت ایده‌ال، قابلیت پذیرش توسط بانک مرکزی را داشته باشند.

(۲) نسبت خالص تأمین مالی با ثبات

۴۲. نسبت NSFR بیان‌کننده الزام به نگهداری حداقلی از میزان منابع تأمین مالی با ثبات در بانک با توجه به وضعیت نقدشوندگی دارایی‌ها و نیز امکان بالقوه نیازهای محتمل نقدینگی ناشی از تعهدات پایین خط ترازنامه، در یک افق زمانی یک‌ساله می‌باشد. نسبت مذکور به دنبال دستیابی به این هدف است که اتکاء بیش از حد به تأمین مالی عمده کوتاه‌مدت در طول دوره زمانی رونق در نقدینگی بازار محدود شده و نیز بانک‌ها برای ارزیابی بهتر از ریسک نقدینگی مربوط به ارقام بالا و پایین خط ترازنامه ترغیب گردند.

(۳) ابزارهای پایش

۴۳. در حال حاضر، مقامات نظارتی دامنه متنوعی از ابزارهای کمی را به منظور پایش نمایه ریسک نقدینگی نهادهای بانکی و نیز برای کل بخش مالی به منظور نظارت احتیاطی کلان مورد استفاده قرار می‌دهند. در یک مطالعه انجام شده در بین اعضای کمیته بال که در اوایل سال ۲۰۰۹ انجام گرفت، مشخص شد که بیش از ۲۵ ابزار و مفهوم مختلف توسط مقامات نظارتی در سطح بین‌الملل مورد استفاده قرار می‌گیرد. به منظور ایجاد سازگاری بیشتر در سطح بین‌المللی، کمیته بال مجموعه‌ای از سنجه‌های معمولی که باید به عنوان انواع مختلف حداقل اطلاعاتی که مقامات نظارتی باید مورد استفاده قرار دهند را تدوین نمود. علاوه بر این، مقامات نظارتی می‌توانند سنجه‌های بیشتری به منظور در نظر گرفتن ریسک‌های خاص مربوط به کشور خود را نیز مورد استفاده قرار دهند. سنجه‌های پایشی شامل موارد ذیل است



که در صورت انجام بررسی های بیشتر توسط کمیته، این سنجه ها گسترش می یابند. موضوعی که به طور خاص در صورت بررسی بیشتر ابزارهای پایشی بدان پرداخته خواهد شد مربوط به ریسک نقدینگی روزانه می باشد.

الف) عدم تطابق سررسید قراردادی: جهت حصول درکی از جنبه های پایه ای نیازهای نقدینگی یک بانک، بانک ها باید به طور متناوب عدم تطابق سررسید قراردادی را مورد ارزیابی قرار دهند. این سنجه، یک پایه اندازه گیری اولیه و ساده را در خصوص تعهدات قراردادی فراهم کرده و می تواند به منظور مقایسه نمایه های ریسک نقدینگی نهادهای مختلف و نیز در صورت امکان ایجاد نیازهای نقدینگی بالقوه به منظور آگاه نمودن بانک ها و مقام ناظر مفید واقع شود.

ب) تمرکز منابع تأمین مالی: این سنجه شامل تحلیل میزان تمرکز منابع عمده تأمین مالی که توسط طرف های مقابل، ابزارها و یا ارزش های خاصی فراهم شده اند، می باشد. شاخص مذکور که میزان تمرکز منابع عمده تأمین مالی را پوشش می دهد، به مقامات نظارتی کمک می کند که میزان ریسک نقدینگی تأمین مالی بانک ها در شرایطی که یک یا چند منبع تأمین مالی، بازپس گرفته شوند را مورد ارزیابی قرار دهد.

ج) دارایی های آزاد در دسترس: این سنجه میزان دارایی های آزاد بانک که می تواند به طور بالقوه به عنوان وثیقه برای اخذ منابع مالی تضمین شده از بازار و یا تسهیلات اعتباری بانک مرکزی مورد استفاده قرار گیرد را اندازه گیری می کند. این شاخص باید بانک ها (و نیز مقامات نظارتی) را نسبت به توانایی بالقوه بانک به منظور افزایش منابع مالی تضمین شده اضافی با در نظر گرفتن این موضوع که در یک وضعیت بحرانی این توانایی ممکن است کاهش یابد، آگاه تر نماید.

د) شاخص LCR برای ارزش های عمده: با توجه به اینکه ریسک نرخ ارز جزئی از ریسک نقدینگی قلمداد می شود، به منظور پایش و مدیریت سطح عمومی و روند منابع در معرض ریسک مربوط به ارزش های خارجی لازم است که شاخص LCR برای هر کدام از ارزش های مهم مورد ارزیابی قرار گیرد.

ه) ابزارهای پایشی مرتبط با بازار: به منظور داشتن منبعی از داده های لحظه ای مربوط به



مشکلات بالقوه نقدیدنگی در بانک‌ها، برخی از داده‌های مفید به منظور انجام فعالیت‌های پایشی شامل این موارد است: داده‌های مربوط به قیمت دارایی و نقدیدنگی در سطح بازار، اطلاعات مرتبط با نهاد مربوطه از جمله نرخ حاشیه سود اوراق CDS^{۲۸} و قیمت سهام و نیز اطلاعات اضافی خاص نهاد مربوطه که با توانایی آن نهاد برای تأمین مالی در بازارهای مالی عمده و نیز قیمتی که می‌تواند بر اساس آن تأمین مالی انجام دهد، مرتبط است.

ج. ترتیبات مربوط به دوره گذار

۴۴. کمیته بال به منظور اجرای استانداردهای جدید که می‌توانند این اطمینان را ایجاد نمایند که بخش بانکی قادر به رعایت استانداردهای سرمایه‌ای بالاتر از طریق نگهداری میزان قابل قبولی از سود و نیز افزایش سرمایه، همراه با پشتیبانی از اقتصاد به وسیله عملیات وام‌دهی می‌باشد، به دنبال معرفی ترتیبات مربوط به دوره گذار است. ترتیبات مربوط به دوره گذار در متن سند مربوط به قواعد نقدیدنگی بال (۳) توضیح داده شده است که در پیوست ۴ این سند نیز به طور خلاصه آمده است.

۴۵. بعد از یک دوره آزمایشی که از سال ۲۰۱۱ شروع شد، شاخص LCR از اول ژانویه سال ۲۰۱۵ به طور رسمی معرفی خواهد شد. شاخص NSFR نیز از اول ژانویه سال ۲۰۱۸ به عنوان یک استاندارد حداقلی معرفی می‌گردد. کمیته بال فرآیندهای محکمی را به منظور گزارش‌دهی در خصوص پایش نسبت‌ها در طول دوره گذار انجام خواهد داد و در صورت نیاز بررسی نحوه پیاده‌سازی این استانداردها برای بازارهای مالی، میزان توسعه تخصیص اعتبار و رشد اقتصادی با در نظر گرفتن نتایج ناخواسته را نیز ادامه خواهد داد.

۴۶. هر دو نسبت LCR و NSFR مشروط به یک دوره انجام آزمایشی خواهند بود که دربردارنده شرط ارزیابی به منظور در نظر گرفتن هرگونه نتیجه ناخواسته و پیش‌بینی نشده می‌باشند.

د. دامنه کاربرد

۴۷. نحوه کاربرد الزامات حداقل سرمایه در این سند همان دامنه کاربرد ذکر شده در بخش اول



(دامنه کاربرد) چارچوب بال (۲) می باشد.^{۲۹}

بخش ۱: الزامات حداقل سرمایه و سپرده های سرمایه ای

۴۸. سیستم بانکی بین المللی با سطحی ناکافی از سرمایه با کیفیت بالا وارد بحران گردید. بحران مالی همچنین ناسازگاری در تعریف سرمایه در بین کشورهای مختلف و فقدان سطح افشای مورد نیاز که بازار را قادر به ارزیابی کامل و مقایسه کیفیت سرمایه در بین کشورهای مختلف نماید، را آشکار نمود. یکی از عناصر کلیدی در تعریف جدید سرمایه، تمرکز بیشتر بر سهام عادی به عنوان با کیفیت ترین جزء سرمایه یک بانک می باشد.

تعریف سرمایه

الف. اجزای سرمایه

اجزای تشکیل دهنده سرمایه

۴۹. کل سرمایه نظارتی شامل مجموع اجزای ذیل می باشد:

۱. سرمایه لایه ۱ (سرمایه در شرایط تداوم فعالیت)

۱-۱. سرمایه عادی لایه ۱

۲-۱. سرمایه اضافی لایه ۱

۲. سرمایه لایه ۲ (سرمایه در شرایط عدم امکان تداوم فعالیت)

برای هر کدام از سه ردیف سرمایه بالا (۱-۱، ۲-۱ و ۲) مجموعه واحدی از معیارها که

ابزارهای واجد شرایط برای قرار گرفتن در آن طبقه باید داشته باشند، وجود دارد.^{۳۰}

^{۲۹}. BCBS, *International Convergence of Capital Measurement and Capital Standards*, June ۲۰۰۶ (hereinafter referred to as "Basel II" or "Basel II Framework").

^{۳۰}. همان طور که در سند مشورتی کمیته در اگوست ۲۰۱۰ (طرح ایجاد اطمینان از قابلیت جذب زیان سرمایه نظارتی از زمان عدم توانایی ایفای تعهدات بانک) ذکر گردیده، و همان طور که در خبرنامه های کمیته در ۱۹ اکتبر سال ۲۰۱۰ و اول دسامبر ۲۰۱۰ بیان شده است، کمیته بال در حال نهایی کردن معیارهای اضافی دیگر برای سرمایه اضافی لایه ۱ و سرمایه لایه ۲ می باشد. به محض نهایی شدن، معیارهای اضافی به چارچوب سرمایه نظارتی افزوده خواهد شد.



حدود و حداقل ها

۵۰. کلیه اجزای سرمایه ذکر شده در بالا از تمامی تعدیلات نظارتی مرتبط خالص شده اند و مشروط به حدود زیر می باشند (پیوست ۱ را نیز مشاهده کنید):
- نسبت سرمایه عادی لایه ۱ یا ^{۳۱}(CET۱) باید همواره حداقل به میزان ۴,۵٪ دارایی های موزون شده به ریسک باشد.
 - نسبت سرمایه لایه ۱ باید همواره به میزان حداقل ۶٪ از دارایی های موزون شده به ریسک باشد.
 - نسبت کل سرمایه (مجموع سرمایه لایه ۱ و سرمایه لایه ۲) باید همواره حداقل به میزان ۸٪ دارایی های موزون شده به ریسک باشد.

ب. جزئیات مربوط به الزامات سرمایه ای

۵۱. در این بخش اصطلاح «بانک» برای بانک، گروه بانکی یا هر نهادی (مانند شرکت هلدینگ) که سرمایه آن محاسبه می شود، مورد استفاده قرار می گیرد.

۱. سرمایه عادی لایه ۱

۵۲. سرمایه عادی لایه ۱ شامل مجموع اقلام ذیل می باشد:
- سهام عادی منتشر شده توسط بانک که معیارهای طبقه بندی به عنوان سهام عادی برای اهداف نظارتی را دارد (یا اقلام متناظر برای شرکت های غیرسهامی)؛
 - صرف سهام ناشی از انتشار ابزارهایی که در بخش سرمایه عادی لایه ۱ قرار دارند؛
 - سود انباشته؛
 - مجموع سایر درآمدهای جامع و سایر اندوخته ها^{۳۲}؛

^{۳۱} Common Equity Tier ۱

^{۳۲} تعدیلی که جهت حذف سود یا زیان تحقق نیافته شناسایی شده در ترازنامه از سرمایه عادی لایه ۱ مورد استفاده قرار گیرد وجود ندارد. زیان های تحقق نیافته مشروط به ترتیبات مربوط به دوره گذار که در پاراگراف ۹۴ (ج) و (د) ذکر شده است، می باشد. کمیته بال بررسی خود در خصوص چگونگی در نظر گرفتن سود تحقق نیافته را با ملاحظه تحولات صورت گرفته در چارچوب های حسابداری ادامه خواهد داد.



- سهام عادی منتشر شده توسط واحدهای تابعه بانک و مشمول تلفیق که توسط شخص ثالث نگهداری می شود (مانند اقلیت) و در بردارنده معیارهای قرار گرفتن در سرمایه عادی لایه ۱ را داشته باشد. بخش ۴ را در خصوص معیارهای مرتبط ملاحظه نمایید؛ و
 - تعدیلات نظارتی که در محاسبه سرمایه عادی لایه ۱ به کار می رود.
- سود انباشته و دیگر درآمدهای جامع شامل سود و زیان میان دوره ای نیز می باشد. مقامات رسمی می توانند فرآیندهای حسابرسی، تأیید و یا بررسی را در این خصوص در نظر گیرند. طبق استانداردهای حسابداری، سود سهام تقسیم شده از سرمایه عادی لایه ۱ حذف می شود. نحوه در نظر گرفتن حقوق اقلیت و نیز تعدیلات نظارتی که در محاسبه سرمایه عادی لایه ۱ به کار می روند در بخشی مجزا بدان پرداخته می شود.

سهام عادی منتشر شده توسط بانک

۵۳. برای آنکه یک ابزار سرمایه ای بتواند در سرمایه عادی لایه ۱ شامل شود باید همه معیارهایی که در ادامه خواهد آمد را داشته باشد. اکثر بانک های فعال بین المللی دارای ساختار شرکت های سهامی هستند و برای این بانک ها معیارهای مذکور باید تنها در غالب سهام عادی وجود داشته باشد^{۳۳}. در برخی موارد نادر که بانک ها نیاز به انتشار سهام عادی فاقد حق رأی به عنوان بخشی از سرمایه عادی لایه ۱ دارند، لازم است که اینگونه سهام ها در کلیه جنبه ها به جز عدم داشتن حق رأی کاملاً با سهام عادی دارای حق رأی، یکسان باشند.

۳۳. شرکت های سهامی به عنوان شرکت هایی تعریف می شوند که سهام عادی منتشر می کنند، صرف نظر از اینکه سهام مزبور به صورت خصوصی و یا عمومی نگهداری شوند. این چارچوب بیانگر ساختار حقوقی اکثریت غالب بانک های فعال بین المللی می باشد.



معیارهای طبقه بندی به عنوان سهام عادی برای اهداف سرمایه نظارتی^{۳۴}:

۱. بیانگر مطالبه با پایین ترین ارجحیت در شرایط تصفیه بانک باشد.
۲. پس از پرداخت همه مطالبات ممتاز در زمان تصفیه، بیانگر مطالبه ای برای دارایی های باقی مانده که متناسب با سهم آن از سرمایه سهام منتشر شده می باشد. (یعنی یک مطالبه نامشخص و متغیر و نه مطالبه ای ثابت و تعیین شده)
۳. اصل آن ماهیت همیشگی دارد که به جز در شرایط تصفیه و انحلال هرگز بازپرداخت نمی شود. (در این خصوص بازخرید از روی صلاحدید یا دیگر راهکارهای کاهش سرمایه به صورت مؤثر طبق روش صلاحدید که تحت قوانین مرتبط مجاز است را باید مجزا نمود).
۴. بانک نباید اقدامی انجام دهد که در زمان انتشار سهم این انتظار شکل گیرد که ابزار مربوطه بازخرید، برگشت یا لغو می گردد و همچنین هیچ قید قراردادی یا قانونی که حاوی ویژگی های باشد که منجر به شکل گیری چنین انتظاری شود، نباید وجود داشته باشد.
۵. سود توزیعی باید از ارقام قابل توزیع پرداخت شود (شامل سود انباشته). سطح سود توزیع شده نباید به هر روشی مرتبط یا وابسته به مبلغ پرداخت شده در زمان انتشار بوده و نیز مقید به هیچ حد قراردادی نباشد. (به جز در حالتی که بانک قادر به پرداخت سود توزیعی به دلیل فزونی مبلغ آن نسبت به میزان ارقام قابل توزیع، نمی باشد).
۶. تحت هیچ شرایطی توزیع سود الزامی نمی باشد. عدم پرداخت سود به معنی نکول نیست.
۷. سود قابل توزیع تنها در شرایطی پرداخت می شود که تمامی تعهدات قراردادی و قانونی رعایت شده و پرداخت های مربوط به ابزارهای سرمایه ای ارجح صورت پذیرفته باشد. این بدان معنی است که هیچ گونه پرداخت سود ترجیحی وجود ندارد، این موضوع شامل سایر اقلامی که به عنوان سرمایه منتشر شده با بالاترین کیفیت طبقه بندی می شود نیز می گردد.
۸. سرمایه منتشر شده ای است که اولین و بزرگترین سهم از زیان هایی که به وقوع می پیوندد را متناسب با سهم خود جذب می کند^{۳۵}. به عنوان سرمایه با بالاترین کیفیت، هر ابزاری که زیان ها را در شرایط تداوم فعالیت به طور متناسب و هم ردیف با سایر اقلام جذب می نماید، به عنوان سرمایه با بالاترین کیفیت محسوب می شود.

۳۴. این معیارها همچنین برای شرکت های غیرسهامی مانند صندوق های مشترک، نهادهای تعاونی یا پس انداز، با در نظر گرفتن اساسنامه مشخص و ساختار حقوقی آنها کاربرد دارد. کاربرد این معیارها باید همراه با حفظ سطح کیفیت ابزارهای سرمایه ای مربوطه باشد با این الزام که از لحاظ کیفیت سرمایه به منظور جذب زیان، این ابزارها باید کاملاً متناظر با سهام عادی بوده و دارای ویژگی هایی که باعث تضعیف بانک جهت تداوم فعالیت در دوره شکل گیری بحران در بازار می گردد، نباشد. به منظور اطمینان از وجود سازگاری در خصوص کاربرد معیارها برای شرکت های غیرسهامی مقامات نظارتی با یکدیگر تبادل اطلاعات خواهند داشت.

۳۵. در شرایطی که ابزارهای سرمایه ای حاوی ویژگی هایی در خصوص کاهش دائمی ارزش دفتری آن ها از حسابها هستند، این معیار کماکان بوسیله سهام عادی رعایت می شود.



۹. در حالت عدم ایفای تعهدات بر اساس ترازنامه، مبلغ پرداخت شده (paid in) به عنوان حقوق صاحبان سهام شناسایی می شود. (به عنوان بدهی شناسایی نمی شود)
۱۰. مبلغ پرداخت شده بر اساس استانداردهای حسابداری مربوطه به عنوان حقوق صاحبان سهام طبقه بندی می شود.
۱۱. مستقیماً به وسیله بانک منتشر شده و کاملاً پرداخت شده است و همچنین بانک نمی تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم خرید این ابزار را تأمین مالی نماید.
۱۲. مبلغ پرداخت شده نمی تواند توسط ضامن ناشر سهام یا شخص مرتبط^{۳۶} تضمین یا پوشش داده شده باشد و یا نباید مقید به ترتیبات دیگری باشد که قانوناً یا بنا به دلایل اقتصادی اولویت این مطالبه را ارتقاء دهد.
۱۳. صرفاً با تأیید مالکان بانک ناشر منتشر می شود. تأیید مزبور می تواند به صورت مستقیم توسط مالکان یا در صورت مجاز بودن بر اساس قانون مربوطه، توسط هیأت مدیره یا سایر افرادی که به نحو مقتضی توسط مالکان تعیین شده اند، صورت پذیرد.
۱۴. باید به طور شفاف و مجزا در ترازنامه بانک افشاء شده باشد.

۲. سرمایه اضافی لایه ۱

۵۴. سرمایه اضافی لایه ۱ شامل مجموع اقلام زیر می باشد:
 - ابزارهای منتشر شده توسط بانک که حایز ویژگی های قابل قبول برای قرار گرفتن در سرمایه اضافی لایه ۱ باشند (و جزء اقلام سرمایه عادی لایه ۱ نیستند)؛
 - صرف سهام ناشی از انتشار ابزارهایی که در سرمایه اضافی لایه ۱ قرار می گیرند.
 - ابزارهای منتشر شده توسط واحدهای تابعه بانک که توسط اشخاص ثالث نگهداری می شود و معیارهای قرار گرفتن در سرمایه اضافی لایه ۱ را دارا بوده و نیز جزء اقلام سرمایه عادی لایه ۱ محسوب نمی شوند. بخش ۴ را در خصوص معیارهای مربوطه ملاحظه نمایید؛ و
 - تعدیلات نظارتی که در محاسبه سرمایه اضافی لایه ۱ مورد استفاده قرار می گیرد.

۳۶. شخص مرتبط می تواند شامل شرکت مادر، شرکت خواهر، شرکت تابعه یا دیگر نهادهای وابسته باشد. یک شرکت هلدینگ فارغ از اینکه چگونه بخشی از گروه بانکی مشمول تلفیق را شکل می دهد یک شخص مرتبط است.



در بخشی مجزا به نحوه در نظر گرفتن ابزارهای منتشر شده توسط واحدهای تابعه مشمول تلفیق با بانک و نیز تعدیلات نظارتی در محاسبه سرمایه اضافی لایه ۱ پرداخته می‌شود.

ابزارهای منتشر شده توسط بانک که حائز معیارهای قرار گرفتن در سرمایه اضافی لایه ۱ می‌باشند ۵۵. جدول زیر حاوی حداقل معیارهای لازم برای ابزارهای منتشر شده توسط بانک به منظور قرار گرفتن در سرمایه اضافی لایه ۱ می‌باشد.

معیارهای قرار گرفتن در سرمایه اضافی لایه ۱:

۱. منتشر شده و کاملاً پرداخت شده باشند.
۲. نسبت به سپرده‌گذاران، بستانکاران عمومی و بدهی‌های تبعی بانک از اولویت پایین‌تری برخوردار باشند.
۳. نه تضمین شده باشند و نه از طریق ضمانت ناشر یا شخص مرتبط پوشش داده شود و یا ترتیبات دیگری که به طور قانونی یا به دلایل اقتصادی منجر به ارتقای اولویت این مطالبه در برابر بستانکاران بانک می‌شود، وجود نداشته باشد.
۴. ماهیت دائمی دارد، بدان معنی که تاریخ سررسید و نیز پرداخت‌های پلکانی سود و دیگر انگیزه‌های بازخرید وجود ندارد.
۵. قابل بازخرید توسط منتشر کننده اولیه تنها بعد از حداقل پنج سال و با در نظر گرفتن شرایط زیر می‌باشد:
 - الف. به منظور اعمال اختیار خرید توسط بانک، اخذ تأیید اولیه مقام ناظر ضروری است؛ و
 - ب. بانک نباید اقدامی انجام دهد که منجر به ایجاد حالتی استثناء شود که امکان خرید را فراهم نماید؛ و
 - ج. بانک نباید اقدام به خرید اوراق نماید مگر در حالت‌های زیر:
 ۱. بانک ابزار خریداری شده را با سرمایه از همان ردیف سرمایه‌ای یا با کیفیت بالاتر جایگزین نماید و جایگزینی این سرمایه در شرایطی انجام شود که بر اساس ظرفیت درآمدی بانک قابل انجام باشد^{۳۷}؛ یا
 ۲. بانک باید نشان دهد که پس از اعمال اختیار خرید، وضعیت سرمایه‌ای آن

^{۳۷} انتشار اوراق جایگزین می‌تواند همزمان و نه بعد از آنکه ابزارها برای خرید فراخوانده شوند، صورت پذیرد.



بانک بالاتر از حداقل الزامات سرمایه ای باقی خواهد ماند^{۲۸}.

۶. هرگونه بازپرداخت اصل (که می تواند از طریق بازخرید صورت پذیرد) باید با تأیید اولیه مقام ناظر صورت پذیرد و بانک ها نباید چنین فرضی را مطرح کنند یا چنین انتظار بازاری را ایجاد کنند که تأیید مقام ناظر قطعاً داده خواهد شد.

۷. سود سهام یا کوپن سود باید صلاحیددی باشد:

الف. بانک باید در هر زمان اختیار کامل به منظور تصمیم برای عدم پرداخت یا عدم تقسیم سود را داشته باشد^{۲۹}.

ب. تصمیم صلاحیددی مبنی بر عدم پرداخت نباید به عنوان نکول تلقی شود.

ج. بانک ها باید دسترسی کامل به منابع حاصل از عدم پرداخت ها به منظور ایفای تعهدات سررسید شده را داشته باشند.

د. عدم پرداخت یا عدم تقسیم سود نباید منجر به اعمال محدودیت هایی برای بانک گردد مگر در خصوص سود تقسیمی برای صاحبان سهام عادی.

۸. سود نقدی یا کوپن سود باید از محل ارقام قابل توزیع پرداخته شود.

۹. این ابزار نمی تواند دارای ویژگی سود نقدی وابسته به وضعیت اعتباری باشد، به این معنی که سود نقدی یا کوپن سود به صورت دوره ای بر اساس تمام یا بخشی از وضعیت اعتباری نهاد مربوطه تجدید گردد.

۱۰. انتشار این ابزارها نباید باعث فزونی بدهی ها بر دارایی ها شود که در این صورت ترازنامه مربوطه بخشی از قانون عدم ایفای تعهدات ملی را شامل خواهد شد.

۱۱. ابزارهای سرمایه ای که برای اهداف حسابداری جزء بدهی ها طبقه بندی می شوند باید واجد اصل خصوصیت جذب زیان بدین ترتیب باشند: (۱) امکان تبدیل به سهام عادی در یک نقطه شروع که از قبل مشخص است یا (۲) وجود مکانیزم کاهش ارزش (write-down) که زیان ها را به ابزارهای مربوطه در یک نقطه شروع که از قبل مشخص است تخصیص می دهد. مکانیزم کاهش ارزش در دفاتر اثرات زیر را به دنبال خواهد داشت:

الف. در شرایط تصفیه، مطالبات مربوط به ابزار سرمایه ای را کاهش می دهد؛

ب. اقدام بانک به خرید ابزار باعث کاهش میزان بازپرداخت می شود؛ و

^{۲۸}. حدود حداقل در اینجا به الزامات حداقلی تعیین شده توسط مقام ناظر باز می گردد که می تواند از حداقل الزامات رکن ۱ بال ۳ بیشتر باشد.
^{۲۹}. یکی از نتایج صلاحیددی کامل در هر زمان به منظور تصمیم به عدم پرداخت یا عدم تقسیم سود آن است که فعالیت تضمین سود (dividend pushers) مجاز نخواهد بود. ابزاری که همراه با تضمین سود باشد، در صورتی که بانک برای سایر ابزارهای سرمایه ای (نوعاً ابزارهای ارجح تر) پرداختی را انجام داده باشد بانک منتشر کننده را مجبور به پرداخت سود یا کوپن برای ابزار می کند. این تعهد با الزام برای پرداخت سود صلاحیددی در هر زمان ناسازگار است. علاوه بر این، اصطلاح "تصمیم به عدم پرداخت یا عدم تقسیم سود" به معنی ملفی کردن اینگونه پرداخت ها می باشد. این موضوع باعث می شود، بانک در انجام اقداماتی که آن را ملزم به پرداخت یا تقسیم سود می نماید، مجاز نباشد.



ج. تمام یا بخشی از پرداخت های مربوط به سود نقدی یا کوین سود برای ابزار مربوطه کاهش می یابد.

۱۲. بانک و شخص مرتبط که بانک بر آن کنترل یا نفوذ قابل ملاحظه دارد نمی تواند ابزار را خریداری کند و همچنین بانک نباید مستقیم یا غیرمستقیم به منظور خرید این ابزار را تأمین مالی نماید.

۱۳. این ابزار نمی تواند حایز ویژگی هایی که از تأمین مجدد سرمایه جلوگیری نماید، باشد، مانند شروطی که بر اساس آن در صورت انتشار ابزار جدید با قیمت پایین تر در یک بازه زمانی مشخص، ناشر را ملزم به جبران برای سرمایه گذاران ابزار مربوطه می نماید.

۱۴. چنانچه ابزار توسط یک نهاد عملیاتی یا شرکت هلدینگ مشمول در گروه تلفیقی منتشر نشده باشد (یعنی از طریق شرکت مالی با اهداف خاص یا SPV منتشر شده است)، عایدات حاصل از انتشار باید فوراً و بدون محدودیت به صورتی در اختیار نهاد عملیاتی^{۴۰} یا شرکت هلدینگ در گروه تلفیقی قرار گیرد که ابزار مربوطه واجد همه معیارهای قرار گرفتن در سرمایه اضافی لایه ۱ باشد.

صرف سهام ناشی از انتشار ابزارهایی که در سرمایه اضافی لایه ۱ قرار می گیرند؛

۵۶. صرف سهامی که واجد شرایط قرار گرفتن در سرمایه عادی لایه ۱ نباشد، تنها در صورتی می تواند در سرمایه اضافی لایه ۱ قرار گیرد که سهام موجود صرف سهام مذکور مجاز به قرار گرفتن در سرمایه اضافی لایه ۱ باشد.

۳. سرمایه لایه ۲

۵۷. سرمایه لایه ۲ شامل مجموع اقلام زیر می باشد:

➤ ابزارهای منتشر شده توسط بانک که حایز ویژگی های قرار گرفتن در سرمایه لایه ۲ باشند (و نیز در سرمایه لایه ۱ قرار نگرفته باشند)؛

➤ صرف سهام ناشی از انتشار ابزارهایی که در سرمایه لایه ۲ قرار دارند؛

➤ ابزارهای منتشر شده توسط واحدهای تابعه مشمول تلفیق بانک که توسط اشخاص ثالث نگهداری می شوند و حایز معیارهای قرار گرفتن در سرمایه لایه ۲ می باشند و در سرمایه

^{۴۰}. یک نهاد عملیاتی به نهادی گفته می شود که به منظور انجام یک فعالیت تجاری با مشتریان به منظور کسب سود شکل گرفته باشد.



لایه ۱ نیز قرار ندارند. بخش ۴ را برای معیارهای مرتبط ملاحظه نمایید؛

➤ ذخایر اختصاصی به شرحی که در بندهای ۶۰ و ۶۱ آمده است؛ و

➤ تعدیلات نظارتی که در محاسبه سرمایه لایه ۲ مورد استفاده قرار می گیرد.

نحوه در نظر گرفتن ابزارهای منتشر شده توسط واحدهای تابعه مشمول تلفیق بانک و نیز

تعدیلات نظارتی در محاسبه سرمایه لایه ۲ در بخشی مجزا مورد بررسی قرار می گیرد.

ابزارهای منتشر شده توسط بانک که حایز معیارهای قرار گرفتن در سرمایه لایه ۲ می باشند

۵۸. هدف سرمایه لایه ۲ فراهم نمودن امکان جذب زیان در شرایط عدم تداوم فعالیت

(gone-concern) می باشد. بر این اساس، در ادامه حداقل معیارهای لازم برای قرار گرفتن

در سرمایه لایه ۲، اشاره خواهد شد.

معیارهای قرار گرفتن در سرمایه لایه ۲:

۱. منتشر شده و کاملاً پرداخت شده باشد.
۲. نسبت به مطالبات مربوط به سپرده گذاران و سایر بستانکاران عمومی بانک از اولویت پایین تری برخوردار باشد.
۳. این اوراق نه تضمین شده اند و نه هیچ گونه پوشش ضمانتی از طرف ناشر یا اشخاص مرتبط برای آن وجود دارد و همچنین ترتیبی که قانوناً یا به دلایل اقتصادی بتوان بر اساس آن اولویت این مطالبه را نسبت به سپرده گذاران و دیگر بستانکاران عمومی بانک افزایش دهد، وجود ندارد.
۴. سررسید:
 - الف. حداقل سررسید اصلی باید پنج سال باشد؛
 - ب. شناسایی آن در سرمایه نظارتی در طول پنج سال باقی مانده تا سررسید بر اساس روش خط مستقیم مستهلک گردد؛
 - ج. هیچ گونه مکانیزمی از طریق پرداخت سود پلکانی و یا دیگر انگیزه ها برای بازخرید آن وجود نداشته باشد.



۵. تنها بعد از حداقل پنج سال از انتشار با تصمیم ناشر و با در نظر گرفتن شرایط زیر قابل بازخرید باشند:

الف. قبل از اقدام به بازخرید، اخذ تایید اولیه از مقام ناظر توسط بانک الزامی است؛

ب. بانک نباید اقدامی انجام دهد که منجر به ایجاد این انتظار گردد که امکان بازخرید اوراق وجود دارد؛^{۴۱} و

ج. بانک نباید اقدام به بازخرید نماید مگر پس از احراز شرایط زیر:

۱. بانک ابزار خریداری شده را با سرمایه از همان سطح و یا با کیفیت بالاتر جایگزین کند و جایگزینی این سرمایه با شرایطی انجام شود که متناسب با ظرفیت درآمدی بانک باشد؛^{۴۲} یا

۲. بانک باید نشان دهد که وضعیت سرمایه ای آن بانک بعد از اقدام به بازخرید اوراق به خوبی بالاتر از حداقل الزامات سرمایه ای است.^{۴۳}

۶. سرمایه گذار نباید هیچ حقی مبنی بر تسریع بازپرداخت پرداخت های برنامه ریزی شده آتی (کوپن سود یا اصل) داشته باشد، مگر در شرایط ورشکستگی یا تصفیه بانک.

۷. این ابزار نمی تواند دارای ویژگی سود نقدی وابسته به وضعیت اعتباری باشد، به این معنی که سود نقدی یا کوپن سود به صورت دوره ای بر اساس تمام یا بخشی از وضعیت اعتباری نهاد مربوطه تجدید گردد.

۸. بانک و شخص مرتبط که بانک بر آن کنترل یا نفوذ قابل ملاحظه دارد نمی توانند ابزار را خریداری کنند و نیز بانک نباید به طور مستقیم یا غیرمستقیم خرید این ابزار را تأمین مالی نماید.

۹. چنانچه ابزار توسط یک نهاد عملیاتی یا شرکت هلدینگ مشمول در گروه تلفیقی منتشر نشده باشد (یعنی از طریق شرکت مالی با اهداف خاص یا SPV منتشر شده است)، عایدات حاصل از انتشار باید فوراً و بدون محدودیت به صورتی در اختیار نهاد عملیاتی^{۴۴} یا شرکت هلدینگ در گروه تلفیقی قرار گیرد که ابزار مربوطه، همه معیارهای قرار گرفتن در سرمایه لایه ۲ را داشته باشد.

^{۴۱} انجام اختیار خرید ابزار بعد از پنج سال اما قبل از شروع دوره استهلاك تا زمانی که بانک اقدامی را که منجر به ایجاد این انتظار شود که خرید در آن زمان مربوطه انجام خواهد گرفت، انجام ندهد، به عنوان انگیزه بازخرید در نظر گرفته نمی شود.

^{۴۲} انتشار اوراق جایگزین می تواند همزمان و نه بعد از آنکه ابزارها برای بازخرید فراخوانده شوند صورت پذیرد.

^{۴۳} حدود حداقل در اینجا به الزامات حداقلی تعیین شده توسط مقام ناظر باز می گردد که می تواند از حداقل الزامات رکن ۱ بال ۳ بیشتر باشد.

^{۴۴} یک نهاد عملیاتی به نهادی گفته می شود که به منظور انجام یک فعالیت تجاری با مشتریان به منظور کسب سود شکل گرفته باشد.



صرف سهام ناشی از انتشار ابزارهایی که در سرمایه لایه ۲ قرار می گیرند؛

۵۹. صرف سهام که واجد شرایط قرار گرفتن در سرمایه لایه ۱ نباشد، تنها زمانی مجاز به قرار گرفتن در سرمایه لایه ۲ است که سهام موجود صرف سهام مزبور، مجاز به قرار گرفتن در سرمایه لایه ۲ باشد.

ذخایر عمومی (برای بانک هایی که از رویکرد استاندارد برای ریسک اعتباری استفاده می کنند)

۶۰. ذخایری که برای محافظت در برابر زیان های آینده که در حال حاضر شناسایی نشده اند نگهداری می شوند به آسانی جهت پوشش زیان هایی که متعاقباً حادث می شوند در دسترس می باشند و بر این اساس امکان قرار گرفتن در سرمایه لایه ۲ را دارند. ذخایر اختصاصی که در مقابل زیان های وارده بر دارایی های مشخص یا بدهی های شناسایی شده، به صورت انفرادی یا گروهی در نظر گرفته می شوند، نباید در سرمایه لایه ۲ لحاظ شوند. علاوه بر این، ذخایر عمومی که حایز شرایط قرار گرفتن در سرمایه لایه ۲ می باشند حداکثر به میزان ۱,۲۵ درصد دارایی های موزون به ریسک محاسبه شده بر اساس رویکرد استاندارد، در سرمایه لایه ۲ لحاظ می شوند.

مازاد کل ذخایر قابل قبول تحت رویکرد رتبه بندی داخلی

۶۱. در شرایطی که مجموع مبالغ زیان مورد انتظار کمتر از مبالغ ذخایر قابل قبول باشد، همچنان که در بندهای ۳۸۰ تا ۳۸۳ ویرایش جامع بال (۲) مربوط به ژانویه سال ۲۰۰۶، عنوان شده است، بانک ها می توانند تفاوت مذکور را حداکثر تا میزان ۰,۶ درصد از دارایی های موزن شده به ریسک اعتباری تحت رویکرد IRB، در سرمایه لایه ۲ شناسایی نمایند. بنا به صلاح دیدهای ملی، حدود کمتر از ۰,۶ درصد نیز می تواند مورد استفاده قرار گیرد.



۴. حقوق اقلیت (به معنی حقوق شخصیت هایی که قدرت اعمال کنترل ندارند) و سایر ابزارهای سرمایه منتشر شده توسط واحدهای تابعه مشمول تلفیق که توسط اشخاص ثالث نگهداری می شود.

سهام عادی منتشر شده توسط واحدهای تابعه مشمول تلفیق

۶۲. حقوق اقلیت که از انتشار سهام عادی توسط واحد تابعه بانک که به طور کامل مشمول تلفیق است، ایجاد می شود، می تواند در صورت احراز شرایط زیر، به عنوان سرمایه عادی لایه ۱ شناسایی گردد: (۱) در صورتی که ابزار سرمایه ای که منجر به ایجاد حقوق اقلیت می گردد، توسط بانک منتشر شده باشد، باید کلیه معیارهای ذکر شده برای طبقه بندی به عنوان سهام عادی در جهت اهداف سرمایه نظارتی را داشته باشد؛ و (۲) واحد تابعه که ابزار را منتشر کرده، خود یک بانک باشد^{۴۵} ۴۶ کل میزان حقوق اقلیت که حایز معیارهای فوق هستند و به عنوان سرمایه عادی لایه ۱ تلفیقی شناسایی می شوند، به روش زیر محاسبه می گردد:

➤ تمام حقوق اقلیت که حایز دو ویژگی ذکر شده در بالا هستند، پس از کسر میزان مازاد سرمایه عادی لایه ۱ واحد تابعه که متعلق به سهامداران اقلیت است.

➤ مازاد سرمایه عادی لایه ۱ واحد تابعه این گونه محاسبه می شود که تمام سرمایه عادی لایه ۱ واحد تابعه منهای حداقل مقادیر زیر می شود:

(۱) حداقل الزامات سرمایه عادی لایه ۱ واحد تابعه به اضافه سپر حفاظتی

سرمایه (یعنی ۷٪ دارایی های موزون به ریسک) و

(۲) نسبتی از حداقل الزامات سرمایه عادی لایه ۱ تلفیقی به اضافه سپر

حفاظتی سرمایه (یعنی ۷٪ دارایی های موزون به ریسک تلفیقی) که مربوط به واحد

تابعه می باشد.

➤ میزان مازاد سرمایه عادی لایه ۱ که متعلق به سهامداران اقلیت است به اینگونه محاسبه

^{۴۵} در خصوص این بند لازم به ذکر است، هر نهادی که مقید به رعایت حداقل استانداردهای احتیاطی و سطحی از اعمال نظارت مانند سایر بانک ها باشد، به عنوان بانک تلقی می گردد.

^{۴۶} حقوق اقلیت شکل گرفته در یک واحد تابعه که خود بانک است، در صورتی که بانک مادر یا بانک وابسته به منظور تأمین مالی مستقیم یا غیر مستقیم سرمایه گذاری اقلیت در واحد تابعه چه از طریق یک شرکت SPV و چه از طریق سایر روش ها، سازوکاری انجام داده باشد به طور کامل از محاسبه در سهام عادی بانک مادر کنار گذاشته می شود. رویکرد ذکر شده در بالا به طور کامل قابل اجرا است در صورتی که تمام سرمایه گذاری اقلیت در واحد تابعه بانک بیانگر میزان مشارکت واقعی شخصی ثالث در سهام عادی واحد تابعه بوده باشد.



می‌گردد که مازاد سرمایه عادی لایه ۱ ضرب می‌شود در درصد سرمایه عادی لایه ۱ که توسط سهامداران اقلیت نگهداری می‌شود.

سرمایه لایه ۱ قابل قبول که توسط واحد تابعه مشمول تلفیق منتشر شده است

۶۳. ابزارهای سرمایه‌ای لایه ۱ منتشره توسط واحد تابعه بانک که کاملاً مشمول تلفیق است و در اختیار سرمایه‌گذاران شخص ثالث می‌باشند (که شامل مقادیر ذکر شده در بند ۶۲ نیز می‌باشد) تنها در صورتی که ابزارهای مذکور توسط بانک منتشر شده و تمامی معیارهای طبقه‌بندی به عنوان سرمایه لایه ۱ را داشته باشند، می‌توانند به عنوان سرمایه لایه ۱ شناسایی شوند. میزان این سرمایه که به عنوان سرمایه لایه ۱ شناسایی می‌شود به روش زیر محاسبه می‌گردد:

- کل سرمایه لایه ۱ واحد تابعه که منتشر شده و در اختیار اشخاص ثالث است منهای میزان مازاد سرمایه لایه ۱ واحد تابعه متعلق به سرمایه‌گذاران شخص ثالث، می‌گردد.
- مازاد سرمایه لایه ۱ واحد تابعه به اینصورت محاسبه می‌شود که سرمایه لایه ۱ واحد تابعه منهای حداقل مقادیر زیر می‌گردد:

(۱) حداقل الزامات سرمایه لایه ۱ واحد تابعه به علاوه سپر حفاظتی سرمایه (یعنی ۸,۵٪ دارایی‌های موزون به ریسک) و

(۲) نسبتی از حداقل الزامات سرمایه لایه ۱ تلفیقی به علاوه سپر حفاظتی سرمایه (یعنی ۸,۵٪ دارایی‌های موزون به ریسک تلفیقی) که مربوط به واحد تابعه می‌باشد.

- میزان مازاد سرمایه لایه ۱ که متعلق به سرمایه‌گذاران شخص ثالث می‌باشد برابر است با حاصل ضرب مازاد سرمایه لایه ۱ در درصد سرمایه لایه ۱ که توسط سرمایه‌گذاران شخص ثالث نگهداری می‌شود.

این میزان سرمایه لایه ۱ که به عنوان سرمایه اضافی لایه ۱ شناسایی می‌شود، میزان سرمایه عادی لایه ۱ که بر اساس بند ۶۲ شناسایی شده است را در بر نمی‌گیرد.



سرمایه لایه ۱ و لایه ۲ قابل قبول که توسط واحدهای تابعه مشمول تلفیق منتشر شده است

۶۴. تمام ابزارهای سرمایه ای (ابزارهای سرمایه ای لایه ۱ و لایه ۲) که توسط نهاد تابعه بانک که کاملاً مشمول تلفیق است و در اختیار سرمایه گذاران شخص ثالث می باشد (و دربردارنده مقادیر ذکر شده در بندهای ۶۲ و ۶۳ نیز می باشد) فقط در صورتی که ابزارهای مذکور توسط بانک منتشر شده باشد و تمامی معیارهای طبقه بندی به عنوان سرمایه لایه ۱ یا سرمایه لایه ۲ را داشته باشند، می تواند به عنوان تمام سرمایه بانک شناسایی شود. میزان این سرمایه که در تمام سرمایه تلفیقی شناسایی می شود به روش زیر محاسبه می شود:

- تمام ابزارهای سرمایه ای واحد تابعه که منتشر شده و در اختیار اشخاص ثالث است منهای میزان مازاد کل سرمایه واحد تابعه متعلق به سرمایه گذاران شخص ثالث می گردد.
- مازاد تمام سرمایه واحد تابعه به اینصورت محاسبه می شود که تمام سرمایه واحد تابعه منهای کمترین میزان این دو مقدار می گردد:

(۱) حداقل الزامات سرمایه تمام واحد تابعه به علاوه سپر حفاظتی سرمایه (یعنی ۱۰,۵٪ دارایی های موزون به ریسک) و

(۲) نسبتی از حداقل الزامات مجموع سرمایه تلفیقی به علاوه سپر حفاظتی سرمایه (یعنی ۱۰,۵٪ دارایی های موزن به ریسک تلفیقی) که مربوط به واحد تابعه می باشد.

- میزان مازاد مجموع سرمایه که متعلق به سرمایه گذاران شخص ثالث است برابر است با حاصل ضرب مازاد مجموع سرمایه در درصد مجموع سرمایه که توسط سرمایه گذاران شخص ثالث نگهداری می شود.

میزان مجموع سرمایه که در سرمایه لایه ۲ شناسایی می شود، میزان سرمایه عادی لایه ۱ که بر اساس مفاد بند ۶۲ و نیز میزان سرمایه اضافی لایه ۱ که بر اساس بند ۶۳ شناسایی شده اند را در بر نمی گیرد.

۶۵. در صورتی که سرمایه ای که در اختیار اشخاص ثالث قرار دارد توسط شرکت های



سرمایه‌گذاری با اهداف خاص (SPV) منتشر شده باشد، هیچ مقداری از این سرمایه نمی‌تواند در سرمایه عادی لایه ۱ محاسبه گردد. گرچه، چنین سرمایه‌ای می‌تواند در سرمایه اضافی لایه ۱ و سرمایه لایه ۲ تلفیقی قرار گیرد، در صورتی که خود بانک مستقیماً سرمایه مذکور را منتشر و در اختیار اشخاص ثالث قرار داده باشد و چنانچه سرمایه مذکور تمامی معیارهای لازم را دارا بوده و نیز تنها دارایی مربوط به SPV شامل سرمایه‌گذاری آن نهاد در سرمایه بانک به نحوی که حداقل حائز تمامی معیارهای مربوطه برای قرار گرفتن در سرمایه بوده باشد^{۴۷} (این معیارها شامل ۱۴ معیار ذکر شده برای سرمایه اضافی لایه ۱ و نیز ۹ معیار برای سرمایه لایه ۲ می‌باشند). در حالتی که سرمایه در اختیار اشخاص ثالث بواسطه شرکت SPV و از طریق یک واحد تابعه بانک که کاملاً مشمول تلفیق است منتشر شده باشد، مشروط بر رعایت الزامات ذکر شده در این بند و در صورتی که واحد تابعه خود مستقیماً آن را منتشر و در اختیار اشخاص ثالث قرار داده باشد، چنین سرمایه‌ای می‌تواند در سرمایه اضافی لایه ۱ و سرمایه لایه ۲ تلفیقی مطابق با شرایط ذکر شده در بندهای ۶۳ و ۶۴ قرار گیرد.